

بررسی تطبیقی ادله مخالفان کنترل جمعیت از دیدگاه فقه امامیه و احناف

□ محمدالله رفیعی *

چکیده

کنترل جمعیت از جمله مباحثی است که از ابعاد مختلف قابل بررسی است من جمله در فقه که نوشتار حاضر از نگاه فقه امامیه و احناف مورد بررسی قرار می دهد. در میان امامیه کسانی همچون شیخ طوسی، شیخ مفید و ابن حمزه که عزل و روش های متناسب آن را بدون اذن و اشتراط در حین عقد جایز نمی دانند، کنترل جمعیت را نیز جایز نمی دانند. مهم ترین دلیل شان انواع مختلف روایات است. از فقهای احناف نیز آنهایی که عزل و روش های متناسب با آن را بدون اذن جایز نمی دانند، کنترل جمعیت را جایز نمی دانند، عمده ادله شان علاوم بر اجماع و تضییع حق، روایاتی است که از عزل نهی کرده اند. موافقین به افزایش جمعیت، به آیاتی استدلال کرده اند که تشویق و ترغیب به ازدواج و زیادی نسل و نهی از رهبانیت کرده اند، همچنین استدلال به قواعد از جمله قاعده لاضرر، نفی سیل نیز کرده اند. به طور کلی عده ای از علمای امامیه و احناف مخالف کنترل جمعیت اند، عمده دلیل شان مطلوبیت نسل انسانی و بقای آن نزد شارع است و تنافی کنترل جمعیت نیز با اعتقاد به رازقیت خدای تعالی و تنافی آن با قاعده «لا ضرر» و قاعده «نفی سیل» است. بنابراین آنچه از این مقاله بدست آمده این است که اگر هدف از کنترل جمعیت، تربیت جمعیت سالم و مقتدر و با روش های حلال باشد، کنترل جمعیت بلا اشکال است.

کلید واژگان: کنترل جمعیت، حفظ نسل، فقه، لاضرر، عزل.

مقدمه:

ادله مخالفان کنترل جمعیت برای اثبات ادعای خود عمدتاً بر اصول و مبانی اولیه و ثانویه شریعت اسلام مبتنی است. آنان با بهره‌گیری از ادله شرعی مانند آیات و روایات و ادله دیگر فقهی، اجتماعی و سیاسی در صدد اثبات این مطلب هستند که نظر اسلام بر افزایش مسلمانان است و این یک اصل مبنایی است که مخالفت با آن جایز نیست؛ بنابراین هر گونه سیاستی که در صدد تحدید و کنترل جمعیت مسلمانان باشد، از نظر شرع مقدس اسلام مردود است؛ مگر در موارد استثنایی و خاص، آن هم در حالت فردی و خانوادگی به صورت موقت، این گونه سیاست‌ها به ویژه از راه‌هایی که مطابق نظر شرع اسلام است، جایز است.

بررسی دیدگاه مخالفان کنترل جمعیت از امامیه

دیدگاه فقها درباره کنترل جمعیت از طریق دیدگاه‌شان درباره روش‌های کنترل به دست می‌آید. آسان‌ترین و با سابقه‌ترین روش کنترل جمعیت عزل و روش‌های متناسب آن است که این روش از دید عده‌ای از فقها جایز نیست؛ از جمله:

۱. شیخ طوسی: ایشان گفته است: «عزل از زن آزاد بدون رضایتش: جایز نیست. کسی که بدون رضایتش این کار را انجام دهد، مرتکب گناه شده است و بر عهده اش یک دهم دیه جنین لازم است. دلیل ما بر عدم جواز، اجماع امامیه، اخبار و اصل احتیاط است.» (شیخ طوسی، خلاف، ج ۴، ص ۳۵۹)

۲. شیخ مفید: ایشان گفته است: «کسی که مردی را که در حال جماع با همسرش است، بترساند به واسطه ترس، او منیش را از همسرش عزل کند بر عهده ترساننده، دیه تضييع نطفه است و آن یک دهم دیه جنین است که ده دینار باشد؛ همچنین ده دینار به عنوان دیه، بر عهده کسی است که از همسر آزادش بدون اذنش عزل کند.» (شیخ مفید، المقنعه، ص ۵۱۶)

۳. ابن حمزه: ایشان نیز گفته است: «دیه عزل از همسر آزاد ده دینار است و...». (ابن حمزه، الوسيله إلى النیل الفضيله، ص ۲۱۶) این عده از فقها قائل به حرمت عزل شده‌اند. شیخ مفید و ابن

ادریس از قائلان به وجوب دیه هستند. وجوب دیه دلالت بر حرمت عزل می‌کند؛ چنان که شهید ثانی گفته است: «وقتی حکم به تحریم عزل شد، دیه نطفه واجب می‌شود.» (شهید ثانی، شرح لمعه، ج ۵، ص ۱۰۲).

کسانی که مخالف عزل اند، مخالف روش‌های مشابه عزل از قبیل کاندوم، استفاده از دارو و ... نیز هستند؛ چون: نتیجه عزل و روش‌های مشابه آن یکی است. عقیم سازی و سقط جنین از دیگر روش‌هایی هستند که به اتفاق امامیه جایز نیستند؛ لذا کنترل با این روش‌ها نیز جایز نیست؛ چنان که درباره اسقاط حمل، مرحوم سید صادق روحانی گفته است: «بعد از دمیده شدن روح در جنین، حرمت اسقاط، اتفاقی است؛ چون: جنایت بر انسان زنده است؛ همچنین اگر سقط حمل موجب مرگ مادر شود، چه حمل روح داشته باشد یا نداشته باشد» (سید صادق روحانی، المسائل المستحثة، ص ۱۵۵ و ۱۵۶).

ادله حرمت کنترل جمعیت از دیدگاه فقهای امامیه

مرحوم شیخ طوسی سه دلیل ادعا کرده است: الف) اجماع امامیه؛ ب) اخبار؛ ج) اصل احتیاط. مرحوم فاضل هندی ادله قائلان به حرمت عزل را امور ذیل می‌داند ۱. وجوب کفاره؛ ۲. نهی رسول الله (ع)؛ ۳. تعبیر رسول خدا از عزل به وأد الخفی؛ ۴. تنافی با حکمت ازدواج؛ ۵. تقویت حق زن (فاضل هندی، کشف اللثام، ج ۲، ص ۵۴).

مرحوم شیخ و دیگر فقهای امامیه به آیات درباره عدم جواز کنترل جمعیت استدلال نکرده‌اند؛ زیرا چنان که در فصل سوم گفته شد، هیچ آیه‌ای درباره جواز و عدم جواز کنترل جمعیت نداریم؛ البته دیگر مخالفان کنترل جمعیت به آیات استدلال کرده‌اند که همراه دیگر ادله به عنوان مؤید نظریه شیخ طوسی و دیگر طرفدارانش ذکر و نقد و بررسی می‌شوند؛ بنابراین، مهم‌ترین ادله مخالفان کنترل جمعیت در میان امامیه روایات، اصول و قواعداند. آیات نیز به عنوان مؤید ذکر می‌شود که از دیدگاه‌های اقتصادی، جمعیت‌شناسی، سیاسی و ... به دست می‌آیند. (محمد هادی طلعتی، رشد جمعیت، تنظیم خانواده و سقط جنین، ص ۸۸) این فصل با نگاه مقابله و پاسخ‌گویی به شبهات موافقان کنترل جمعیت، شکل گرفته است.

۱. استدلال به آیات

بر مبنای ضرورت حفظ نسل نوع انسانی، مخالفان کنترل جمعیت، مسئله افزودن نسل مسلمانان را مطرح می‌کنند و می‌گویند: دلایل و شواهد بسیاری در آیات و منابع روایی و فقهی یافت می‌شوند که اهتمام شارع را بر افزایش نسل نشان می‌دهد. بر اساس این مبنا (ضرورت حفظ نسل) مخالفان کنترل جمعیت غیر از شیخ طوسی و اتباعش با چند نوع از آیات قرآنی درباره عدم جواز کنترل جمعیت استدلال کرده‌اند.

اول: آیات دلالت کننده بر حفظ نسل انسانی

تعدادی از آیات بر این دلالت دارند که همه موجودات بر اساس غریزه طبیعی برای حفظ نوع خود به توالد و تناسل مشغول‌اند و در این میان انسان که علاوه بر فطرت به نیروی عقل و تفکر ممتاز شده است، به بقای نوع خود بیشتر توجه دارد. نمونه‌ای از آیات در این زمینه عبارت‌اند از:

۱. **سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُثْبِتُ الْأَرْضُ.** (ذاریات، آیه ۴۹؛ رعد، آیه ۳). از هر چیز، جفت آفریدیم، شاید متذکر شوید. این آیه دلالت می‌کند که قانون زوجیت در همه عالم حاکم است. یکی فاعل است و مؤثر؛ دیگری متأثر و اثرپذیر. از آنکه فاعل است، عملی سر می‌زند به روی آنکه منفعل است، واقع می‌شود؛ مانند زن و شوهر. (محمد حسین طباطبایی، المیزان، ترجمه سید محمد موسوی همدانی، ج ۱۸، ص ۶۰۶). پس از این آیه، قانون زوجیت استفاده می‌شود و هدف از زوجیت حفظ نسل و زیادی آن است؛ بنابراین زیادی جمعیت خواست شارع مقدس است.

۲. **سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُثْبِتُ الْأَرْضُ** (یس، آیه ۳۶). منزّه است آن کس که زوجها را از رویدنی‌های زمین خلق کرد. خدای تعالی در زمین از هر صنفی از میوه‌ها، زوج یعنی دوتا، یکی نر و یکی ماده قرار داده است که ازدواج آنها در گل‌های شان صورت می‌گیرد. علم جدید هم این معنا را ثابت و کشف کرده است که هیچ درخت و زراعتی، میوه و دانه‌ای نمی‌بندند؛ مگر اینکه نر و ماده‌ای آن با هم در آمیزند. چیزی که هست اینکه بعضی زوجها مانند خرما هر یک جدای از یکدیگرند. بعضی شان در یک درخت‌اند که خود دو نوع هستند. گاهی هر دو در یک گل قرار دارند و گاهی در دو

گل. اولی مانند بوته پنبه است که عضو نر با عضو ماده آن در یک گل قرار دارند و دومی مانند بوته کدو است؛ (سید محمد حسین طباطبایی، المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱۱، ص ۴۵۱) بنابراین همان گونه که طبق دیدگاه قرآن، حفظ حیات تمامی موجودات در سایه علقه و روابط زوجیت تحقق یافته، خلقت و بقای نوع انسانی نیز بر اساس رابطه زوجیت شرعی تحقق می‌یابد؛ از این رو ازدواج شرعی مصالح بیشماری از جمله حفظ نسل دارد. تأکید و اهتمام شارع مقدس به ازدواج در واقع تأکید بر حفظ نسل است. ارتباط ازدواج با حفظ نسل به بدهات عقلی روشن است؛ علاوه بر آن، در منابع فقهی شیعه، تناسل یکی از آثار ازدواج نامیده شده است؛ چنان که شیخ مفید در شمارش فضایل نکاح و تأکید بر استحباب آن، ازدواج را راهی برای تناسل معرفی کرده است. (شیخ مفید، المقنعة، ص ۶۹۶)

۳. آیات مربوط به حرمت اقدام به هلاکت نفس نیز دلالت بر حفظ نسل می‌کنند، مانند آیه ولا تلقوا بأیدیکم إلى التهلكة؛ (بقره، آیه ۱۹۵). و خویشان را با دست خویش به هلاکت نیفکنید و.... در این آیه از آنچه موجب اقدام به هلاکت شود، مطلق نهی شده است، خواه از افراط و خواه از تفریط باشد، مانند بخل ورزیدن و خودداری کردن از بذل مال در هنگام جنگ و کارزار؛ چون باعث تمام شدن قوی و در نتیجه غلبه دشمن و شکست مسلمانان می‌شود، منهی است و همچنین زیاد از اندازه بذل مال کردن هم از آن جهت که موجب پستی و انحطاط در زندگی است و منجر به تهیدستی و نیازمندی به دیگران می‌شود، نیز نهی شده است. (سید محمد حسین طباطبایی، المیزان، ترجمه محمد تقی مصباح یزدی، ج ۲، ص ۸۴) کنترل نسل را نیز شامل است؛ زیرا کنترل نسل سبب می‌شود که جامعه از نیروهای مستعد محروم شوند و در نتیجه باعث پستی و انحطاط شان می‌شود. (سید صادق روحانی، المسائل المستحدثة، ص ۱۵۵ و ۱۵۶).

نتیجه: حفظ نسل یکی از مقاصد اساسی اسلام و ازدواج نیز برای حفظ آن مقرر شده است. در واقع مقصود اولی ازدواج، تناسل و بقای نوع انسانی است و هیچ حکمی از احکام نیست؛ مگر اینکه مقصود از آن به نوعی عنایت به نسل دارد. با توجه به این مطلب، کنترل جمعیت و اعمال برنامه‌های کنترل جمعیت، متضاد با هدف شریعت در ازدواج است. (الزین یعقوب، الزبیر، الموقف الشریعة الاسلامیه من تنظیم النسل، ص ۲۴، ۲۵، ۵۸؛ محمد هادی طلعتی، رشد جمعیت و تنظیم خانواده و

سقط جنین، ص) ارتباط ازدواج با حفظ نسل علاوه بر اینکه به بدهاقت عقل روشن است، در منابع فقهی شیعه یکی از فضایل ازدواج نامیده شده و مدار تکالیف و احکام اسلام، محافظت از دین، نفس، عقل و مال است؛ بنابراین حفظ نسل یکی از مقاصد اساسی اسلام و ازدواج نیز برای حفظ آن مقرر شده است. در واقع مقصود اولی ازدواج، تناسل و بقای نوع انسانی است. (اطبی، الموافقات، ج ۲، ص ۷، ۱۳۷۸؛ محمد هادی طلعتی، رشد جمعیت و تنظیم خانواده و سقط جنین، ص ۸۸ - ۹۰).

دوم: آیات دلالت کننده بر مطلوبیت زیادی اولاد

پس از اثبات ضرورت حفظ نسل نوع انسانی، مخالفان کنترل جمعیت، مسئله افزودن نسل مسلمانان را مطرح می کنند و می گویند: دلایل و شواهد بسیاری در آیات و منابع روایی و فقهی یافت می شود که اهتمام شارع را بر آن نشان می دهد از جمله آیات ذیل که زیادی و افزایش نسل را از نعمت های الهی می شمارند:

۱. فرزندان زیاد از نعمت های الهی است؛ چنان که خدای تعالی فرموده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً...» (نساء، آیه ۱) ای مردم! از پروردگارتان پروا کنید؛ آن پروردگاری که شما را از نفس واحد آفرید و جفتش را نیز از او آفرید و از آن دو، مردان و زنان بسیار پراکنده کرد. خدای تعالی امر به تقوی می کند و در هنگام امر، یاد آوری از نعمت خود می کند: «وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً»، مردان و زنان زیاد را برای یاد آوری از نعمت های الهی ذکر کرده است؛ پس زیادی نسل، نعمت الهی و کنترل نسل کفران نعمت است.

۲. «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ أَلَا بِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَتِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ» (نحل، آیه ۷۲). خدا برای شما از خودتان همسرانی قرار داد و از همسران تان برای شما پسران و نوادگان نهاد و از چیزهای پاکیزه به شما روزی بخشید آیا باز هم به باطل ایمان می آورند و به نعمت خدا کفر می ورزند؟! خدای تعالی در این آیه فرزندان و نوه ها را از نعمت های خود برشمرده است. این نعمت ها از راه ازدواج به دست می آید.

۳. درباره قوم حضرت شعیب الله خداوند یادآور می شود: «إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا فَكَثَّرَكُمْ وَ...» (اعراف، آیه ۸۶). به یاد آورید، هنگامی را که اندک بودید؛ سپس شما را بسیار گردانید. در این آیه خدای تعالی

کثرت جمعیت را به عنوان نعمت یادآوری می‌کند و مردم را به یاد یکی از نعمت‌های بزرگ خود می‌اندازد و آن ازدیاد نسل است. (سید محمد حسین طباطبایی، المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۸ ص ۲۶۱).

۴. در برخی آیات فرزندان زینت حیات دنیوی معرفی شده‌اند: «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ...» (کهف، آیه ۴۶). همه نعمت‌های مادی زینت دنیا هستند ولی مال و فرزند جلوه بیشتر دارد و به همین جهت نام آن دو از میان نعمت‌های بیشمار الهی مطرح شده است و چون پسران نیروی فعال در صحنه‌های اجتماعی و اقتصادی و ... هستند؛ لذا در کنار «مال» لفظ بنون آمده و از کلمه بنات استفاده نشده است. (نرم افزار مشکات، ذیل کهف، آیه ۴۶).

سوم: آیات دلالت کننده بر اینکه اولاد سبب اقتدار و عزت است

نوع سوم از آیات، کثرت نسل را سبب قوت و عزت و شوکت معرفی کرده؛ لذا در ضمن قریب ده آیه مال و اولاد مقارن هم ذکر شده‌اند. اموال قدرت اقتصادی اولاد قدرت انسانی و هر یک مکمل یکدیگر اند. (ناصر مکارم شیرازی، تحدید النسل والموالید، قراءات، ص ۱۰۸).

۱. اولاد در سلسله امدادهای الهی قرار گرفته است؛ چنان که در قصه حضرت نوح فرموده است: «فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّاراً يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَاراً وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَاراً» (نوح، آیه ۱۰ - ۱۲). به آنها گفتم: از پروردگار خویش آمرزش بطلبید که او بسیار آمرزنده است تا باران‌های پر برکت آسمان را پی در پی بر شما فرستد و شما را با اموال و فرزندان فراوان امداد کند و باغ‌های سرسبز و نه‌رهای جاری در اختیارتان قرار دهد. در این دسته از آیات کثرت جمعیت و اولاد را در ردیف باران‌های پربرکت و جنات و باغ‌ها قرار داده است؛ پس معلوم می‌شود که نسل از نعمت‌های الهی و مطلوب شارع است. (ناصر مکارم شیرازی، «تحدید النسل و موالید»، مجله قراءات فقهیه معاصره فی معطیات الطب، ص ۱۰۵؛ همان، کتاب النکاح، ج ۵، ص ۶۱).

۲. در قصه بنی اسرائیل آمده است: «وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيراً»؛ (اسراء، آیه ۶). سپس شما را بر آنها چیره می‌کنم و اموال و فرزندان را فزون خواهیم کرد و نیروهای شما را بیشتر از دشمن قرار می‌دهیم. (نرم افزار مشکات، اسراء، ذیل آیه ۶). ظاهر آیه این است که بنی اسرائیل به

زودی به دولت سابق خود بر می‌گردند و بعد از عذاب بار اول بر دشمنان مسلط می‌شوند و از چنگ استعمار رهایی می‌یابند و به تدریج و در برهه‌ای از زمان این برگشتن صورت خواهد گرفت؛ چه امداد شدن شان به اموال و فرزندان و افزایش آمارشان به زمانی معتدبه احتیاج دارد. (محمد حسین طباطبایی، المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۱۳، ص ۶۸۰). در این آیه اولاد و کثرت جمعیت را از عوامل امداد الهی به حساب آورده است.

۳. در قصه قوم هود فرموده است: «أَمَدَّكُمْ بِمَا تَعْلَمُونَ أَمَدَّكُمْ بِأَنْعَامٍ وَبَنِينَ». (شعراء، آیه ۱۳۲ و ۱۳۳). جمله «وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَمَدَّكُمْ أَمَدَّكُمْ» در معنای تعلیق حکم به وصف است. خود وصف، علیت خود را می‌رساند و بدین معناست که پرهیزید از خدایی که شما را با نعمت‌های خود مدد می‌دهد. علت پرهیز این است که شما را با نعمت‌های خود مند می‌دهد؛ پس بر شما واجب است که شکرش را به جا آورید. (محمد حسین طباطبایی، المیزان، ج ۱۵، ص ۴۵۴). در این آیه نیز فرزندان به نعمت خدا یاد شده‌اند.

این نوع از آیات، کثرت نسل را سبب قوت و عزت و شوکت معرفی کرده‌اند از اینکه اولاد سبب عزت و اقتدار هستند، انبیای الهی از خداوند ذریه صالح و طیب طلبیدند؛ بنابراین از دید آیات قرآنی کثرت جمعیت و اولاد مطلوب شارع است؛ لذا هرکاری که منجر به قتل انسان و فرزندان شود، مطلوب شارع نیست.

علامه طباطبایی درباره نعمت بودن جمعیت فرموده است: «انسان بر خلاف سایر انواع حیوانات زندگی‌اش اجتماعی است و آن کمالاتی که برای این نوع میسر است، اقتضا می‌کند که این موجود، دارای ادوات و قوایی مختلف و ترکیبات وجودی خاصی بوده باشد که با داشتن آن کمالات نمی‌تواند مانند سایر حیوانات به طور انفرادی زندگی نموده حوائج ضروری خود را تأمین نمایند؛ بلکه ناگزیر است از اینکه در تحصیل خوراک و پوشاک و مسکن و همسر و سایر حوائج با سایر افراد تشریک مساعی نموده و همه با کمک فکری و عملی یکدیگر حوائج خود را تأمین نمایند. پر واضح است که برای چنین موجودی کثرت افراد نعمت بسیار بزرگی است؛ زیرا هر چه بر عدد افراد اجتماعش افزوده شود، نیروی اجتماعی بیشتر و فکر و اراده و عمل آن قوی تر می‌گردد و به دقایق بیشتر و باریک تری از حوائج پی برده و در حل مشکلات و تسخیر قوای طبیعت راه حل‌های دقیق تری را پیدا

می‌کند.» (سیدمحمد حسین طباطبائی، المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۸ ص ۲۶۱).

نتیجه: از دید قرآن کریم، حفظ نسل یکی از مقاصد اساسی اسلام و ازدواج نیز برای حفظ آن مقرر و زیادی جمعیت، نعمت و از اسباب عزت و اقتدار شمرده شده است؛ بنابراین، تحدید النسل و کنترل جمعیت بر زیان حفظ نسل، کفران نعمت و مایه ضعف مسلمین است. ذکر نعمت فرزند در کنار نعمت ازدواج و اینکه مهم‌ترین مقصد ازدواج فرزندآوردن است تا میان جامعه بشری تعاون برقرار شود، (محمد هادی طلعتی، رشد جمعیت، تنظیم خانواده و سقط جنین، ص ۹۱). خود بیانگر نعمت بودن اولاد و جمعیت و اقتدار جامعه است؛ بنابراین فرزند و فرزندآوری مطلوب شارع و تحدید نسل برخلاف مطلوب شرع است.

اشکال بر استدلال به آیات

با توجه به آیات به دست می‌آید که ادعای اصلی مخالفان از امامیه درباره کنترل جمعیت این است که آیات دلالت بر توجه شریعت اسلام به مسئله حفظ نسل بشر و ترغیب به افزایش مسلمانان دارد و اینکه افزایش نسل سبب اقتدار است. این ادعا از سه جهت مردود است:

۱. در کنار مسئله «افزایش جمعیت» باید توجه داشت که هدف شریعت اسلام، فقط افزایش نسل بدون عنایت و توجه به وضعیت دینی، تربیتی و اجتماعی نسل مسلمانان نیست؛ بلکه هدف اصلی به وجود آوردن یک امت اسلامی صالح است که از لحاظ ایمان به معنای عام کلمه جهات دینی اخلاقی و اجتماعی، فرد و جامعه را در بر گیرد در حد شایسته‌ای باشند، هدف علاوه بر کمیت، توجه به کیفیت نیز باشد.

۲. آیات از قبیل قضایای حقیقیه نیستند تا در هر زمان جاری باشند؛ بلکه از قبیل قضایای خارجیه‌اند که ناظر به زمانی هستند که کثرت اولاد دلیل بر قدرت و شوکت بود. آن زمان اقوام، کثرت را ملاک عزت می‌دانستند؛ چنان که از قول مفسدین، قرآن کریم چنین بیان کرده است:

«وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ * وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَ أَوْلَادًا وَ مَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ»؛ (سبأ، آیه ۳۴ - ۳۵). ما، در هیچ شهر و دیاری پیامبری نفرستادیم؛ مگر اینکه مترفین [آنهايي که مست ناز و نعمت بودند، گفتند: ما به آنچه شما فرستاده شده اید، کافریم و

گفتند: اموال و اولاد تما [از همه بیشتر است، این نشانه علاقه خدا با ماست و ما هرگز مجازات نخواهیم شد. (نرم افزار مشکات، ذیل آیه ۳۴ و ۳۵ سبأ). این حکایت دلالت بر این دارد که در اقوام گذشته کثرت اولاد و مال سبب عزت بوده است؛ چنان که در مقام تهدید علیه منافقان فرموده است: «كَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَ أَكْثَرَ أَمْوَالاً وَ أَوْلَاداً»؛ شما منافقان همچون کسانی هستید که پیش از شما بودند. آنان از حیث مال و فرزند از شما نیرومندتر بودند [ولی مال و فرزندانشان موجب نجات از عذاب شان نشد. در مذمت قارون فرموده است: «أَوْ لَمْ يَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِنْ قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَ أَكْثَرُ جَمْعاً»؛ (قصص، آیه ۷۸). توگویی آنچه داری، از طرف علم و دانشت داری؛ اما فراموش کردی که از تو عالم تر و نیرومندتر و ثروتمندتر فراوان بودند. (ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۱۵۶-۱۶۰). این نوع از آیات دلالت دارد که کثرت مال و اولاد، آن زمان موجب قدرت و عزت بود؛ ولی امروز به دلایل قطعی ثابت شده است که کثرت نفوس مشکل را و سبب ضعف است.

۳. کثرت اولاد از دید قرآن زمانی ممدوح بود که تعداد جمعیت مسلمانان کم بودند؛ چنان که قرآن خودش یادآور شده است: «وَ اذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَنْخَطِفَكُمْ النَّاسُ فَأَوَاكُم وَ يُدْكُم بِنَصْرِهِ...»؛ (انفال، آیه ۲۶). به یاد آورید هنگامی را که شما در روی زمین اندک و مستضعف بودید و می ترسیدید که مردم شما را بربایند؛ ولی خدای تعالی شما را پناه داد و با یاری اش شما را تأیید کرد.

اشکال: همان طور که جمعیت مسلمانان در آن زمان اندک و کثرت مایه عزت شان بود، در زمان ما نیز مسلمانان نسبت به غیر مسلمانان اندک اند؛ بنابراین کثرت شان مایه عزت شان است؟
جواب: گفته شد، آیات از قبیل قضایای خارجیه است. هر زمانی که کثرت مایه عزت باشد، شامل است؛ ولی فعلاً در عصر حاضر کثرت باعث عزت نیست؛ بلکه موجب ذلت و احتیاج هستند.

۲. استدلال به روایات بر مطلوبیت کثرت اولاد:

قائلان به عدم جواز کنترل جمعیت در کتب فقهی به روایات نیز استدلال کرده اند؛ چنان که شیخ طوسی فرمود: «دلیلنا اخبارهم». دلیل ما بر مدعای مان در عدم جواز عزل اخباری است که از طریق امامیه در کتب فقهی و دیگر کتبی که در زمینه کنترل جمعیت تدوین شده اند، نقل شده است. روایات مورد استدلال نیز اصل مبنا را که محبوبیت زیادی نسل و کثرت جمعیت باشد، بیان می کند:

اول: روایات سفارش کننده به ازدواج با زن ولود:

۱. روایت محمد بن مسلم از ابی جعفر (ع): «قال: قال: رسول الله (ع) تزوجوا بکراً ولودة ولا تزوجوا حسناً جمیلة عاقراً فانی أباهی بکم الأمم يوم القيامة؛ (وسائل الشیعة، ج ۱۴، ب ۶؛ ابواب مقدمات نکاح، ج ۱، ص ۳۲؛ جامع الاحادیث، ج ۲۵، ص ۱۰۰). با زن بکر ولود ازدواج کنید، نه با زن زیبای نازا؛ زیرا من به واسطه شما به امم دیگر مباحثات می کنم»..

کیفیت استدلال: این روایت با دلالت مطابقی صریح، دلالت بر ازدواج با زن بکر ولود و مباحثات پیامبر (ع) به زیادی امت می کند؛ بنابراین کثرت جمعیت مطلوب شارع است.

۲. روایت عبدالله بن سنان عن ابی عبدالله (ع) «قال لما لقي يوسف (ع) أخاه قال: يا أخي، كيف استطعت أن تزوج النساء بعدي؟ فقال إن أبي أمرني فقال: إن استطعت أن تكون لك ذرية تثقل الأرض بالتسييح فافعل؛ (وسائل الشیعة، ج ۱۴، ب ۶؛ ابواب مقدمات نکاح، ج ۱، ص ۳۲؛ جامع الاحادیث، ج ۲۵، ص ۱۰۰). حضرت یوسف از برادرش پرسید: بعد از من چگونه توانستی با زنان ازدواج کنی؟ در پاسخ گفت: پدرم به من فرمان داد که اگر می توانی فرزندان پدری آوری که زمین را آکنده از تسییح کنند، ازدواج کن».

۳. مردی نزد رسول خدا (ع) آمد و گفت: ای رسول خدا (ع) دختر عمویی دارم که زیبایی و حسن جمال و دین داری او را می پسندم؛ ولی نازا است، آیا با او ازدواج کنم؟ پیامبر فرمود با او ازدواج نکن؛ زیرا حضرت یوسف (ع) در دیدار با برادرش پرسید: چگونه پس از من توانستی با زنان ازدواج کنی؟ پاسخ داد: پدرم به من فرمان داد و گفت: اگر می توانی فرزندان پدری آوری که زمین را آکنده از

تسبیح گو کنند، ازدواج کن. مثل این قضیه روز بعد واقع شد. پیامبر اکرم(ع) فرمود: بازن قبیحه که زیاد بچه می آورد، ازدواج کنید؛ زیرا من در روز قیامت به فزونی مسلمانان بر سایر امت ها افتخار می کنم. راوی می گوید: سؤال کردم: «سواء» چیست؟ امام فرمود: زن زشت منظر. (همان، ج ۱۴، پ ۱۵، ابواب مقدمات نکاح، ح ۱، ص ۳۶) این حدیث از چند جهت دلالت دارد که زیادی جمعیت مطلوب شارع است:

الف) تشویق به ازدواج با زنان ولود؛

ب) تعلیل تفاخر بر امت ها در روز قیامت با انبوه جمعیت مسلمانان؛

ج) محبوب بودن سنگینی زمین به وسیله تسبیح گویان. (سید محسن خرازی، «کنترل جمعیت و عقیم سازی»، مجله فقه اهل البیت، سال ششم، ۱۳۷۹، ش ۲۱، ص ۴۳).

دوم: روایات تشویق کننده بر ازدواج

۱. روایات در این زمینه زیاد است؛ از جمله پیامبر اکرم(ع) فرموده است: ازدواج کنید؛ زیرا من در فردای قیامت به فزونی شما بر امت ها افتخار می کنم. (وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۱۴) دلالت این حدیث بر مطلوبیت اولاد و کثرت آن روشن است.

۲. از رسول خدا(ع) نقل شده که فرموده است: «چه چیز مؤمن را مانع می شود از اینکه اهل بگیرد تا خدای تعالی فرزند، رزق و روزی شان کند که به واسطه او زمین را با لا اله الا الله سنگین کند؟». (همان، ب ۲، ابواب مقدمات نکاح، ح ۳)

سوم: روایات دلالت کننده بر ناپسند بودن عزل:

روایات درین موارد از جمله آنها روایت محمد بن مسلم است که از امام صادق یا امام باقر(ع) درباره «عزل» سؤال شد. امام(ع) فرمود: «أما الأمة فلا بأس وأما الحرة فاني اكره ذلك إلا أن يشترط عليها حين يتزوجها؛ (همان، ب ۷۶، ابواب مقدمات نکاح، ح ۱، ص ۱۵۱). عزل از امه اشکال ندارد، ولی با زن آزاد بدون اذنش من مکروه می دانم؛ مگر اینکه در حین عقد، عزل را شرط کند».

کیفیت استدلال: جمله امام(ع) که فرموده است: «إني أكره» دلالت بر انزجار و تنفر دارد. امام در مقام بیان حکم است. وقتی آسان‌ترین و معمولی‌ترین روش کنترل جمعیت مورد تنفر امام باشد، روش‌های دیگر از قبیل استفاده از آمپول‌ها و قرص‌های شیمیایی که ضررش بیشتر از عزل است به طریق اولی امام از آن تنفر دارد و جایز نیست.

اشکالات وارده بر استدلال به روایات:

۱. روایاتی که از کمی عیال مدح می‌کنند که در فصل سوم بیان شد و معارض روایات مورد استدلال در زیادی اولاد است.

جواب: روایات معارض از حیث دلالت ضعیف هستند. کلمه «عیال» در روایات «قلة العیال أحد الیسارین» اعم از اولاد است و شامل همه کسانی می‌شود که مخارجش بر عهده کسی است؛ از قبیل پدر مادر، کارمند و ... مورد بحث در کنترل جمعیت، مدح و ستایش کمی فرزند است. دلالت روایات مورد استدلال در مدح اولاد زیاد، در این باره واضح و صریح است. از حیث سند نیز نمی‌توان آنها را مقایسه کرد؛ زیرا سند روایات مورد استدلال درباره زیادی اولاد، پشتوانه شهرت دارند؛ اما روایات مدح کمی فرزند از چنین پشتوانه‌ای برخوردار نیستند.

۲. اگر فزونی فرزند مطلوب است، چرا در بعض ادعیه برای دشمنان دین در خواست زیادی مال و فرزند شده است؟ (بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۵۹، ح ۳، ب ۹۵)

جواب: چون دشمنان در راه باطل اند، مال و فرزند وزر و وبال و مایه گمراهی و عذاب بیشترشان است؛ علاوه براین، این دعا معارض دارد و آن نفرین پیامبر(ع) بر عقیم شدن زنان و نداشتن فرزند علیه آنهاست.

۳. روایاتی که از زیادی اولاد مدح کرده‌اند، به صورت قضایای حقیقه نیستند تا دلالت بر مطلوبیت زیادی فرزند در تمام زمانها کنند؛ بلکه به صورت قضایای خارجی‌اند و مفادشان ناظر به زمانی است که کثرت جمعیت و فرزندان سبب فزونی قدرت و عزت می‌شد (ناصر مکارم شیرازی، قراءات فقهیة معاصرة في معطیات الطیب، ص ۱۰۷).

نتیجه:

ما باشیم و آیات و روایات درباره ستایش اولاد و ازدواج، بدون توجه به القانات و تبلیغات مالتوسی‌ها به این نتیجه می‌رسیم که زیادی فرزند ذات مطلوب شارع است؛ مگر اینکه موجب عسر و حرج شود. برای مثال برای تأمین معاش به گناه و ذلت بیافتد که در این صورت حکم ثانوی، جای حکم اولی را می‌گیرد؛ چنان که روایت داریم که فرموده است: «يَأْتِي عَلِي النَّاسَ زَمَانٌ لَا تَنَالُ الْمَعِيشَةَ فِيهِ إِلَّا بِالْمَعْصِيَةِ فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ الزَّمَانُ حَلَّتِ الْعِزُّوبَةُ» (میرزاحسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۸۸، ب ۵۱ ابواب جهاد نفس، ح ۱۹). روزی فرا می‌رسد که اداره زندگی جز با گناه میسر نیست، همانا در آن زمان مجرد بودن حلال است». مجرد زندگی کردن یکی از روش‌های کنترل جمعیت است که در چنین زمانی جایز است؛ بنابراین سایر روش‌ها از قبیل عزل، استفاده از آمپول‌ها، قرص‌ها و... جایز است. اگر جمعیت زیاد سبب به وجود آمدن امراض یا نابسامانی‌ها در زندگی والدین یا فرزندان یا اجتماع شود؛ در این صورت، قاعده نفی عسر و حرج و قاعده لاضرر اقتضا می‌کند که کنترل جمعیت تا زمان برطرف شدن عسر و حرج و ضررها جایز باشد (سید محسن خرازی، «کنترل جمعیت و عقیم سازی»، مجله فقه اهل البیت، ص ۵۱ و ۵۲).

۳. تعارض تحدید نسل با اعتقاد به رازقیت خدای تعالی

سومین نوع استدلال مخالفان کنترل جمعیت در میان امامیه، ادعای تنافی برنامه تحدید نسل با اعتقاد به رازقیت خدای تعالی است؛ زیرا یکی از انگیزه‌های کنترل جمعیت نجات از فقر و تهی دستی است. کنترل جمعیت با این انگیزه، مخالف اعتقاد دینی است؛ چنان که بعضی (سید محمد حسین حسینی تهرانی، رساله نکاحیه، ص ۳۲۱). (از مخالفین کنترل جمعیت به صراحت گفته‌اند: «کنترل جمعیت از جهت خوف و ترس از فقر و گرسنگی، مخالف اعتقادات دینیه است؛ انشت گرفته از اعتقادات دوران جاهلی و یهودی است؛ سیاست کنترل جمعیت برگرفته از اعتقاد یهودیان است؛ چنان که قرآن عقیده فاسدشان را بیان کرده است: «وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ»؛) مانده، آیه ۶۴). یهودیان گفتند: دست خدا بسته است،

دست‌های خودشان بسته باد و به خاطر آنچه که گفتند، از رحمت خدا دور شدند؛ بلکه هر دو دست قدرت او گشاده است؛ هر گونه که بخواهد بخشش می‌کند. کنترل جمعیت برگرفته از اندیشه مالتوس است که از کارمندان مستعمرات انگلیس در مشرق هندوستان بود. او نیز معتقد به عقیده یهودیان و صهیونیسم بود.» (سید محمد حسین حسینی تهرانی، رساله نکاحیه، ص ۳۲۱).

مسلمانان و هر موحدی معتقد به رازقیت خدای تعالی هستند. آیات قرآنی دلالت بر این واقعیت دارند؛ از جمله آیات ذیل:

۱. «وَكَأَيِّنْ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»؛ (عنکبوت، آیه ۶۰). و چه بسیار جنبنده‌ای که روزی خود را حمل نمی‌کند. خدا آنها و شما را روزی می‌دهد و او شنوا و داناست. آیه صراحت بر رازقیت خدای تعالی داد.

۲. «اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ»؛ (شوری، آیه ۱۹). خدا نسبت به بندگانش پیوسته لطف دارد و هر کس را بخواهد و شایسته بداند، روزی می‌دهد و او نیرومند و شکست ناپذیر است.

۳. «قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَارَ وَ مَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ يُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَ مَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ»؛ (محمد حسین طباطبایی، المیزان، ترجمه محمد جواد حجتی کرمانی، ج ۱۰، ص ۸۲). بگو! چه کسی شما را از زمین و آسمان روزی می‌رساند یا چه کسی مالک گوش و چشمان [شما] است و کیست که مرده را زنده و زنده را از مرده بیرون می‌آورد.» (یونس، آیه ۳۱). مراد از «رزق» عطای مداوم است. رزق آسمانی که خدا به عالم انسانی می‌دهد، باران و برف و امثال آن و روزی زمینی رویاندن نباتات و پرورش حیوان است که آدمی از آنها ارتزاق می‌کند. به برکت همین نعمت‌های الهی نوع انسانی باقی می‌ماند. اگر رزق عطای دائمی است، نگرانی از زیادی جمعیت بیجاست

۴. «وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا»؛ (طلاق، آیه ۲ و ۳). هر کس خودش را از عذاب خدا حفظ کند، برایش محل خارج شدن از مشکلات قرار داده می‌شود و او را از جای که نمی‌پندارد، روزی می‌دهد و هر کس به خدا توکل کند؛ پس او برایش کافی است. در حقیقت خدا کارش را به

انجام می‌رساند که به یقین خدا بر هر چیز اندازه‌ای قرار داده است. این آیه نیز دلالت دارد که رزق از ناحیه خدا ضمانت شده و خدای تعالی قادر است که از عهده ضمانت خود بر آید. سید محمد حسین طباطبائی، المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱۹، ص ۶۳۲)

۵. «قُلْ إِيَّايَ الرِّزْقُ مِنْ شَاءِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِيهِ وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يَخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ»؛ (سبأ، آیه ۳۹). (بگو در حقیقت پروردگار من روزی را برای هر کس از بندگان که بخواهد، گسترده می‌کند یا برای او تنگ می‌گرداند و هر چیزی که در راه خدا مصرف می‌کنید، پس او عوض آن را جانشین می‌کند و او بهترین روزی دهندگان است. بر اساس این آیه، دادن و گرفتن روزی از شئون ربوبیت است.) نرم افزار مشکات، ذیل آیه ۳۹، سبأ).

۶. «وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ تَهْ قُورِبَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ تَم مَثَلُ مَا أَمْتَقُونَ»؛ (زاریات، آیه ۲۲ و ۲۳). (روزی شما و آنچه وعده داده می‌شوید، در آسمان است؛ پس سوگند به پروردگار آسمان و زمین قطعاً آن مطالب حق است همان گونه که شما سخن می‌گویید. ممکن است، مراد از «سما» در آیه عالم غیب باشد؛ زیرا همه اشیا از عالم غیب به عالم شهود می‌آیند. یکی از آنها رزق است که از ناحیه خدای تعالی نازل می‌شود؛ چنان که فرموده است: «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنْزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ»؛ (حجر، آیه ۲۱). (هیچ موجودی نیست؛ مگر اینکه خزینه هایش نزد ما است.

۷. «وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ يُنْزِلُ بِقَدَرٍ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ»؛ (شوری، آیه ۲۷). (اگر خداوند روزی را بر بندگان گسترده می‌کرد، حتماً در زمین ستم می‌کردند؛ لیکن به اندازه معین که می‌خواهد، فرو فرستاد؛ چرا که به بندگان آگاه و بیناست. جمله «لَكِنْ يُنْزِلُ بِقَدَرٍ مَا يَشَاءُ» که در آیه بیانگر سنت الهی در روزی دادن طبق حال مردم است. آیه ص لاج مردم را در اندازه ارزاق شان، دخیل می‌داند؛ مگر اینکه رزق عده‌ای را برای امتحان یا استدراج یا از جهت کفران نعمت زیاد یا کم کند) محمد حسین طباطبائی، المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱۸، ص ۵۹۴).

روایات نیز، بیان کننده رازقیت خداست؛ از جمله روایت از امام کاظم (ع) نقل شده است: «عن بكر بن صالح قال كتب الي ابي الحسن (ع) اني اجتبت طلب الولد منذ خمس سنين وذلك ان اهلي كرهت ذلك وقالت: انه يشتد علي تر بيتهم لقلة الشيء فما ترى؟ فكتب إلي: أطلب الولد فإن الله

یرزقهم؛ راوی گوید: طی نامه از امام کاظم (ع) پرسیدم: پنج سال است که از بچه دار شدن اجتناب می‌کنم؛ زیرا همسر از این کار ناخشنود است و می‌گوید: برای من تربیت و نگهداری فرزند در حالی که با کمبود مال مواجه هستیم، مشکل است. شما چه می‌فرمایید؟ امام در پاسخ نوشت: در پی فرزندان شدن باشید؛ زیرا روزی او را خدا می‌دهد.)) وسایل الشیعه، ج ۱۵، ب ۳، ابواب احکام اولاد، ح ۱، ص ۹۹.

نتیجه:

افزایش جمعیت علت فقر نیست؛ زیرا خداوند برای انسان‌ها رزق و روزی را تضمین کرده است و افزایش جمعیت نمی‌تواند خداوند را از رساندن روزی ناتوان کند. کاهش جمعیت هم نمی‌تواند او را پرتوان کند؛ زیرا قبض و بسط رزق به دست خداست.

جواب از استدلال به رازقیت خدای تعالی:

رازقیت خدای تعالی از راه اسباب و علل طبیعی طولی است؛ از جمله اسباب، کار و تلاش و تدبیر به خرج دادن خود انسان است؛ چنان که آیات به این برنامه اشاره کرده است:

الف) «إِنَّا كُلُّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ»؛ قمر، آیه ۴۹. (در حقیقت ما هر چیز را به اندازه آفریدیم. اندازه رزق را سبب تعیین می‌کند؛ از جمله اسباب، شغل مناسب است. تربیت فرزندان و آموزش آنها جهت کسب مهارت‌های شغلی است که خود مستلزم کنترل جمعیت، جهت تناسب با امکانات آموزشی کشور و قدرت خانواده است.

ب) «كُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ»؛ رعد، آیه ۸. (در نزد خدا هر چیز به اندازه است. این آیه نیز شامل تعیین اندازه رزق است. از جمله تعیینات اندازه رزق، چنان که گفته شد، کنترل جمعیت است. .

ج) «قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا»؛ طلاق، آیه ۳. (خدا برای هر چیز اندازه قرار داده است.

د) «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنْزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ»؛ هیچ چیز نیست؛ جز اینکه منابعش نزد ماست و جز به اندازه معین آن را فرو نمی‌فرستیم.

نتیجه:

این گروه از آیات، حاکی از وجود حد و مرز و حساب و کتابی در میان مخلوقات است. خواست خدا هم از آن حدود و اندازه فراتر نمی‌روند، جامعه باید بر اساس «كُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ» مطابق نظم زندگی کنند، یکی از اصول اساسی و برنامه مناسب رزق، کنترل جمعیت است که اصل آینده نگری در امور فرزندان و دیگر امور است باید برای فرزندان در آینده برنامه ریزی کرد؛ چنان که خدای تعالی فرموده است: «وَلْيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا» (نساء، آیه ۹). کسانی که بر فرض نسل کم توانی بعد از خودشان بجای می‌گذارند، بر آینده آنان می‌ترسند باید از ستم درباره یتیمان مردم نیز بهراسند؛ پس خودشان را از عذاب حفظ کند و باید سخن استوار گویند.

نتیجه:

رازقیت خدا مسلم است؛ ولی رزق را از راه سبب باید دریافت. از جمله اسباب، کنترل جمعیت و برنامه دقیق در جمعیت است؛ والا مثل این می‌ماند که مهمان زیاد با طعام کم؛ با امید اینکه خدا رازق است. تنظیم و کنترل جمعیت مطابق درآمد و امکانات اقتصادی و اجتماعی برنامه دقیق برای دریافت رزق است؛ در این صورت خدای تعالی کفیل رزق خواهد شد؛ بنابراین تحدید نسل منافات با اعتقاد دینی ندارد. (محمد علی شرف الدین، تحدید النسل، پایان نامه کارشناسی ارشد، ص ۴۸ - ۵۲).

۴. استدلال بر عدم جواز کنترل جمعیت بر اساس قواعد و اصول مخالفان کنترل جمعیت در صورت نداشتن نصوص شرعی می‌توانند به اصول و قواعد فقهی برای اثبات مدعایشان استدلال کنند؛ از جمله قواعد ذیل:

الف) قاعده نفی سبیل و کنترل جمعیت:

نفی سبیل یکی از قواعد فقهی مهم و کارآمد است که فقها در مسائل مختلف فقهی برای اثبات عدم تسلط کفار بر مؤمنان به جمله فلن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا؛ (نساء، آیه ۱۴۱). هرگز خدای متعال کفار را بر مسلمین مسلط نمی‌کند استناد می‌کنند. محسن قرائتی، تفسیر نور، ج ۲، آیه ۴۱۴. حرمت تسلط کفار، مستلزم حرمت مقدمات آن نیز است؛ یعنی: مسلمانان نمی‌توانند

راه را بر کفار برای تسلط بر مسلمین باز کنند. کنترل جمعیت مستلزم قتل افراد برای دفاع از ناموس و کشور و موجب تسلط کفار است؛ بنابراین جایز نیست. تحدید نسل، اندیشه‌ای استعماری است. هدف، تضعیف ملتها به خصوص مسلمین است. تا کنون غریبها کشورهای اسلامی را تبلیغ و تشویق به کنترل جمعیت کرده‌اند؛ افزون بر آن برای این امر بودجه هم اختصاص می‌دهند؛ چون: از افزایش جمعیت مسلمانان نگران‌اند؛ چنان‌که آگاهان گواهی می‌دهند.

گواهی آگاهان بر اهداف استعماری:

۱. پاول شمتز کتابی به نام اسلام قدرت آینده جهان نوشته و در آن نگرانی خود را از این جهت اظهار کرده است. (پاول شیمز، الاسلام قوة الغد العالمية؛ سید محمد علی ایازی، اسلام و تنظیم خانواده، ص ۱۵۸).

۲. در مجله تایمز آمریکا آمده است: «ادعای آمریکا نسبت به مشکل جمعیت و نیز آنچه از تلاش و نصایح در این باره انجام می‌دهد، در واقع به علت نگرانی از دگرگونی جغرافیایی جمعیت قاره‌های آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین و افزایش جمعیت این مناطق است و این نگرانی به خاطر غلبه احتمالی آنان بر جهان، حاصل شده است.» (مجله تایمز ۱۱ جنوری ۱۹۶۰ م، نقل از: ابوالاعلی مودودی، اسلام اور ضبط ولادت، ص ۲۰۳). زمانی طولانی سپری نخواهد شد که این حقیقت تأسف آور را در خواهند یافت و از غربی‌ها نخواهند گذشت که تشویق به کنترل جمعیت می‌کنند؛ زیرا این دعوت در واقع نوعی از استعمار جدید است که هدف آن کنترل و مهار کردن کشورهای عقب مانده و به ویژه مردم سیاه پوست است تا آنان را در ذلت و خواری نگهدارند و بتوانند بر آنها سیادت کنند» (خورشید احمد، تحریک ضبط ولادت، به نقل از: ابوالاعلی مودودی، ضبط ولادت، ص ۲۰۳).

۴. شهید مطهری در این باره گفته است: «تبلیغاتی که در این مورد کنترل نسل می‌شود، غالباً ریشه استعماری دارد. اروپائیان جمعیت شان به حد نصاب رسیده است و چون از منابع و منافع کشورهای آسیایی و آفریقایی بهره می‌برند، طرفدار تقلیل نفوس در آسیا و آفریقا هستند تا بهتر بتوانند بهره‌کشی کنند؛ ولی این را توجه داشته باشید که... جمعیت کشورهای اسلامی هنوز به حد نصاب نرسیده. این

نیرنگ استعماری است که غربی‌ها به کار می‌برند... و الآن کشورهایی از قبیل ایران، ترکیه، افغانستان و عراق هر یک استعداد دارند که چندین برابر و شاید تا ده برابر جمعیت خودش را نان بدهد و...» (مرتضی مطهری، خاتمیت، ص ۶۷ و ۶۸).

۵. ابوالاعلی مودودی گفته است: «سیاست کنترل جمعیت یک خطر اخلاقی و یک مرض واگیردار است. این سیاست را نخستین بار معاون مرکز اطلاعات بین المللی کنترل جمعیت لندن، خانم ایدت هومارتن برای تبلیغ و ترویج این سیاست در شبه قاره هند و پاکستان سفر کرد؛ سپس دکتر هتن dr hutton مسئول سرشماری دولت بریتانیا در سال ۱۹۳۱ م. در گزارش خود افزایش جمعیت در هند را یک خطر بزرگ قرار داده و اصرار ورزیده که در هند سیاست کنترل جمعیت را ترویج کند».

ابوالاعلی مودودی یکی از پیامدهای مضر سیاست کنترل جمعیت را نابرابری طبقات دانسته است و این گونه استدلال می‌کند: دانشمندان بزرگی همچون راسل و هکسلی با سیاست کنترل جمعیت در کشورهای خودشان مخالف‌اند. هکسلی از دانشمندان مغرب زمین است در مخالفت با سیاست کنترل جمعیت کتابی به نام «Srauenewyworidreuisistitdchettssandwindus» دارد (

۶. محمد اقبال لاهوری نیز گفته است: «به نظر من، هدف بزرگ این سیاست این است که جمعیت اروپا به خاطر اوضاع و شرایطی که آنان خودشان ایجاد کرده‌اند و حال نمی‌توانند این شرایط و اوضاع را تغییر دهند، بسیار کاهش یافته است و در مقابل، جمعیت مشرق زمین روز به روز در حال افزایش هستند و اروپایی‌ها این افزایش را برای غلبه سیاسی خویش خطر بزرگی می‌پندارند» (محمد اقبال لاهوری، مجله الحکیم لاهوری، ماه نومبر ۱۹۳۶ م نقل از خورشید احمد: «تحریک ضبط ولادت»، اسلام اور ضبط ولادت، ص ۲۰۵).

۷: آیت الله سید محمد حسین حسینی تهرانی گفته است: «در حالی که دول استعماری نظیر آمریکا در کشورهای اسلامی تحدید نسل را به عنوان تنظیم خانواده تبلیغ می‌کنند و وسایل جلوگیری را با قیمت ارزان در اختیار آنان قرار می‌دهد؛ اما در آمریکا وسایل مزبور را با قیمت بسیار گران می‌فروشند. رؤسای جمهور آمریکا چون آیزنهاور، نیکسون رسماً با تحدید نسل در آمریکا مخالف بودند. شوروی سابق علاوه بر اینکه دویست و پنجاه میلیون جمعیت دارد، مجلس شورای عالی این

کشور مقرر می‌دارند به مادرانی که فرزندان زیاد دارند، مدال افتخار داده می‌شود.» سید محمدحسین حسینی، رساله نکاحیه کاهش جمعیت ضربه سهمگین بر پیکر مسلمین، ص ۱۳۸ و ۱۳۹).

۸. پرفسور خورشید احمد در مقاله «تحلیل و بررسی علمی نهضت کنترل جمعیت» که ضمیمه دوم در آخر کتاب اسلام و ضبط ولادت نوشته مرحوم ابوالاعلی مودودی شده است، می‌نویسد: «در این اوضاع و احوال، غرب برای برقراری و ادامه سیادت خویش، یک بازی را شروع کرده است. این بازی بسیار خطرناک است؛ یعنی: به وسیله ترویج برنامه‌های کنترل جمعیت سعی می‌کنند، در کشورهای مشرق زمین، جمعیت کاهش یابد.» خورشید احمد، تحریک ضبط ولادت، در اسلام اور ضبط ولادت، ص ۲۰۱).

۹. سید محمد باقر خرازی نیز در این باره فرموده است: «مسئله مطرح شدن کنترل جمعیت از سوی غربی‌ها و استکبار، مسئله سیاسی و اقتصادی است و آمد و رفت عناصر فاسد آنها به کشور ما پیرامون این مسئله و اختصاص بودجه کلان چهار میلیون دلار برای تأمین نیازهای کنترل جمعیتی کشور توسط سازمان ملل گویای وجود یک سری انگیزه‌های اقتصادی و سیاسی دنیای غرب از طرح این مسئله است.» سید محمد باقر، خرازی نظریه کنترل جمعیت و دیدگاه‌های، نقل از روزنامه جمهوری اسلامی، ش ۱۱۳۳۱۱).

نتیجه:

با توجه به قاعده نفی سبیل که برگرفته از نص قرآنی است که فرموده است: «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»؛ نساء، آیه ۱۴۱). هرگز خدای تعالی کافران را بر مسلمانان مسلط نمی‌کند. لازمه قاعده این است که مقدمات تسلط نیز حرام باشد. از جمله مقدمات، کنترل جمعیت است؛ زیرا لازمه کنترل جمعیت اولاً: کمی جمعیت است؛ ثانیاً: مستلزم عقب ماندگی یک ملت است و مانع تلاش می‌شود؛ زیرا جمعیت قلیل و اندک نیازهای اندک دارند؛ بدین جهت قناعت در پیش می‌گیرند و تن پروری و تبلی و عیش عشرت را روش زندگی خود قرار می‌دهند؛ علاوه بر آن، جمعیت قلیل با انگیزه حکومت جهانی اسلام سازگاری ندارد.

ب) منافات کنترل جمعیت با قاعده لاضرر

قاعده لاضرر دومین قاعده‌ای است که مخالفان کنترل جمعیت بدان استدلال کرده‌اند.

ج) جهات مضر بودن کنترل جمعیت

کنترل جمعیت از چند جهت ضرر شایان توجه است:

۱. تضییع حق ملت و والدین

فرزند، هم حق والدین و هم حق ملت است؛ بلکه حق ملت بیشتر است؛ به خصوص در این زمان که هر امتی در تلاش‌اند تا نفوس شان بیشتر شوند و افراد مؤثر و مفید داشته باشند؛ بنابراین بر پیروان حق لازم است که نسل شان را بیشتر کنند تا بر اهل باطل غالب شوند؛ لذا تحدید نسل منافات با غرض والدین و ملت دارد.

۲. خسارات بدنی و روحی

ازدواج علاوه بر تکثیر نسل، پیامدهای خوب دیگری دارد؛ از جمله فعالیت بدنی و تقویت ذهن و تقویت بسیاری از قوای بدنی دیگر؛ بنابراین کنترل جمعیت ضررهای بدنی و روحی دارد؛ چنان که در سال ۱۹۲۷م. کمیته ملی تعیین نرخ موالید بریتانیا (birthratrecommissionofengland) درباره کنترل موالید گزارش پزشکی منتشر کرد که در آن نوشته بود: «ممکن است، استفاده از وسایل پیشگیری در نظام بدنی مردم، برهم زدگی ایجاد کند و نیز ممکن است، موقتاً ضعف مردانگی پیدا شود؛ ولی مجموعه می‌توان گفت که تأثیرات منفی زیادی بر صحت و سلامت مردان عارض نمی‌شود؛ البته عیش این است که لذت زناشویی را کماحقه نمی‌یابد. نتیجه شادی و سرور زندگی خانوادگی او به غارت کشیده می‌شود و از راه دیگر راه‌های نامشروع برای تحصیل خواسته‌ها، سعی خواهد کرد و استفاده از راه‌های نامشروع محبت و سلامتی اش را بر باد خواهد داد و ممکن است که او را مبتلا به امراض خبیثه کند»؛ (ابوالاعلی مودودی، اسلام اور ضبط ولادت، ص ۹۶). همچنین دکتر میری

شاشار لیب (drmaryscharLieb) بعد از تجربیات و آزمایش‌های چهل ساله از این مضرات چنین پرده برمی دارد: «وسایل کنترل موالید چه (pessaries) یا داروهای میکروب کش یا کلاه و لفافه پلاستیکی کاندوم زنانه و مردانه با وسایل دیگر باشد؛ به هر حال در اول فرصت ضرر بالقوه اش نمایان نمی‌شود؛ ولی بعد از مدتی، تأثیرات منفی خود را ظاهر می‌کند. در زنان تا رسیدن به نیم سالی، عصبی ناهمواری nervous instadibijity ایجاد می‌شود، پزردگی، فقدان شکفتگی و سرور، افسرده دلی، عصبانیت و اشتغال پذیری هجوم خیالات سنگین و بی‌خوابی، ضعف دل و دماغ، قلت و کمبود دوران خون، سست شدن دست و پا، احساس درد و ناراحتی در برخی از اعضای بدن، خلل و بی‌نظمی در قاعدگی ماهیانه از تأثیرات این وسایل است.» (ابوالاعلی مودودی، اسلام اور ضبط ولادت، ص ۹۶)

برخی دیگر از پزشکان غربی تأثیرات منفی وسایل پیشگیری را چنین ذکر کرده است: «اعوجاج رحم (fajjing of the wom) خرابی و ضعف حافظه، برخی اوقات خفقان و دیوانگی و نیز زنی که به مدت دراز مدت زاییدن نکند در اعضای تناسلی اش تغییراتی بروز می‌کند که پذیرش زایمان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اگر زن احیاناً آبستن شود، در دوران حمل و وضع حمل اذیت و آزار شدید خواهد دید.» (ابوالاعلی مودودی، اسلام اور ضبط ولادت، ص ۹۶)

۳. خسارات اجتماعی

از جمله خساراتی که به سبب عملی شدن سیاست کنترل جمعیت ظاهر می‌شود، این است که وقتی که انگیزه‌های فطری زوجین به درجه کمال نمی‌رسند، بیگانگی و بینونت میان زوجین به وجود می‌آید و همین امر به کمبود محبت و مودت بین آنها و بالاخره به نفرت و بیزاری منجر می‌شود.

۴. خسارات اخلاقی

این نوع زیانها به چند صورت است: از جمله اینکه بعد از به کار بردن روش‌های کنترل، خواسته‌های شهوانی زن نسبت به مرد افزون می‌شود و از حد اعتدال تجاوز می‌کند و ضرر این امر برای صحت و - سلامت و اخلاق بشر بسیار شدید و به انتهای درجه، مضر است.

دکتر فوستری می‌نویسد: «اگر سمت روابط ازدواج، کاملاً به سوی بندگی خواسته‌های نفسانی، تبدیل شود و هیچ ضابطه‌ای برای کنترل آن وجود نداشته باشد، وضعی در نجاست و پلیدی پیدا

خواهد شد که تأثیرات منفی اش از خسارات که به علت آوردن فرزند زیاد به وجود می‌آید، شدیدتر می‌باشد.» (ابوالاعلی مودودی، اسلام اور ضبط ولادت، ص ۹۶)

چه ضمانتی وجود دارد که افراد جامعه از وسایل پیشگیری در حد و مرز مشروع استفاده خواهند کرد؛ خوف از رسوایی به سبب تولد فرزند نامشروع وجود ندارد؟ ممکن است توفیر وسایل پیشگیری، استفاده نامشروع را افزایش دهد و سبب تشویق شود. گویی با این کار مجوز رسمی زنا به افراد جامعه داده می‌شود.

۵. زیانهای نسلی و ملی

کنترل جمعیت موجب زیانهای زیادی مربوط به نسل و ملت می‌شود؛ از جمله موارد ذیل:

(الف) محرومیت از افراد مستعد: کنترل جمعیت ممکن است، از تولد انسانهای نابغه و اثر گذار جلوگیری کند و جامعه به قحط الرجال مبتلا شود. پرفسور کولن (professor coljn) در مقاله‌ای به نام «clark» می‌نویسد: «تردیدی نیست که مشکلات و وسایل آموزش و پرورش یک خانواده بزرگ، گرانبار است. معلوم می‌شود که حال، والدین نیز وجدانا این واقعیت را احساس کرده‌اند؛ واقعیتی که آقای بریسارد فرانسوی بعد از تحقیق و تلاش بسیار به آن راه یافته است؛ در زمینه آموزش و پرورش و وسایل اقتصادی (careers) بسیاری مطالعه کرد؛ سپس وضعیت زندگی آنان را با وضعیت زندگی خانواده‌های قلیل الاولاد مقایسه کرد و به این نتیجه رسید که کودکان گروه اول [کثیر الاولاد نسبت به دوم در میدانهای مختلف زندگی بیشتر موفق هستند.] نقل از مجله تایمز، لندن، ۱۵ مارس سال ۱۹۵۹، به نقل از: ابوالاعلی مودودی، اسلام اور ضبط ولادت، ص ۱۱۴).

(ب) ملت فدای اغراض شخصی: کنترل اولاد طبق خواسته افراد و اغراض و نیازهای اوست. اهداف و اغراض ملت و جامعه در نظر گرفته نمی‌شود؛ مصالح جامعه فدای خواسته‌های اشخاص می‌شود. روزی فرا خواهد رسید که ملت از بین خواهند رفت.

(ج) خودکشی ملی: برخی گفته‌اند: ملتی که به علت سیاست کنترل جمعیت، جمعیتش رو به زوال باشند، همیشه در معرض هلاکت و نابودی قرار می‌گیرد و اگر احیانا بیماری واگیر، شیوع پیدا کند یا جنگ بزرگی آغاز شود، حتما چنین ملتی دچار کمبود نیروی انسانی خواهد شد.

۶. خسارت‌های اقتصادی

خسارت‌های اقتصادی از جمله زیان‌هایی است که در سیاست کنترل جمعیت مطرح است. گفته شد، تجارب بشری نشان داده که سیاست کنترل جمعیت به زیان برخی از جوامع تمام شده است. حال در نزد کارشناسان اقتصادی این پندار هر روز افزایش می‌یابد که تقلیل جمعیت از علت‌های مهم انحطاط اقتصادی است؛ به همین علت گروهی از موثق‌ترین کارشناسان اقتصادی آلمان و ایتالیا خواستار توفیر و افزایش جمعیت شده‌اند و گروهی از کارشناسان بریتانیایی و آمریکایی نیز همین نظریه را پیشنهاد می‌کنند که در این زمینه نام‌هایی همچون لادکینس، آلون و... موجود است. پروفیسور کولن کلارک در این باره می‌نویسد: غالباً در جامعه نو، بیشتر صنعت کاری به وسیله افزایش جمعیت مستفید خواهد بود. واقعیت این است که اداره‌های موجود اقتصادی در وضعی در فعالیت‌اند که اگر جمعیت افزوده شود و بازارها توسعه پیدا کنند، تولیدات افزوده خواهد شد. اگر در شمال آمریکا و غرب اروپا توفیر جمعیت نبود، از صنعت خبری نبود. کشورهای صنعتی و پیشرفته، موفقیت‌شان را زمانی به دست آوردند که دارای جمعیت زیاد بودند. الآن نیز بسیاری از کشورهای غربی برای رشد جمعیت جایزه تعیین می‌کنند. در هیچ جای دنیا همبستگی بین رشد اقتصادی و کنترل جمعیت، مشاهده نشده است. مشکلات اقتصادی از ناحیه رشد جمعیت نیست؛ بلکه ناشی از بی عدالتی در استفاده از منابع است».

د) اشکال بر استدلال به قاعده لاضرر

عمده توجه این دلیل این است که کاهش جمعیت موجب ضرر است و ضرر هم بر اساس قاعده لاضرر نفی شده است. قاعده لاضرر با سه شرط جاری و به آن استدلال می‌شود:

الف) وجود ضرر قطعی باشد؛

ب) ضرر بزرگتری در مقابل نباشد؛

ج) ضرر، معتدبه و چشمگیر باشد.

شرط اول موجود نیست. هیچ یکی از ضررهایی که شمرده شد، قطعی نیست. مبنای بعضی از کارشناسان است. از جمله ضررها، خسارات اقتصادی است که خود یک نوع ادعاست. موافقان کنترل جمعیت در مقابل می‌توانند ادعا کنند که رشد جمعیت می‌تواند سطح درآمد یک کشور را پایین نگهدارد؛ البته از دید کارشناسان علم اقتصاد نوسان‌های اقتصادی در گرو نظام اقتصادی و اجتماعی، داخلی و بین‌المللی است.) محمود روزبهان، مبانی توسعه اقتصادی، ص ۱۶۶ و ۱۶۷. (بدون تردید، رشد زیاد جمعیت خود باعث تشدید توسعه نیافتگی و افزایش سریع جمعیت مانع افزایش درآمد سرانه می‌شود. از طرفی منابع در دست دولت و جامعه را به طرف هزینه‌های مصرفی، به جای هزینه‌های سرمایه‌ای آن، سوق می‌دهد.) محمود روزبهان، مبانی توسعه اقتصادی، ص ۱۶۶ و ۱۶۷. (توان کشور در تعداد زیاد جمعیت آن نیست؛ بلکه توان هر کشور، بستگی به توان اقتصادی و فناوری آن دارد؛) محمود روزبهان، مبانی توسعه اقتصادی، ص ۱۶۶ و ۱۶۷. (بنابراین، ضرر اقتصادی از کنترل جمعیت، قطعی نیست و مورد اختلاف است. نمی‌شود مورد جریان قاعده لاضرر باشد. موارد دیگر که ادعای خسارت و ضرر شد نیز قطعی نیست. برای مثال گفتید: کاهش جمعیت به منزله قتل فرزندان است و این قیاس امر عدمی با امر وجود است. در مواردی که کنترل از راه عزل و روش‌های مشابه انجام می‌شود، ولد نیست تا قتل دریش صدق کند. گفتید: کنترل جمعیت موجب به هم خوردن زندگی اجتماعی و خانوادگی است. اولاً منظور از کنترل جمعیت در فصل نخست گفته شد که کنترل در سطح عموم به نحو کلی و دائمی نیست تا موجب قطع نسل کل جامعه شود؛ ثانیاً نبود اولاد علت اصلی به هم خوردن زندگی نیست؛ والا زندگی انسان‌های عقیم باید به هم بخورد و حال آنکه این طور نیست. گفتید: کنترل جمعیت مجوز زناست. این حرف در جوامع غیردینی ممکن است؛ ولی در جوامع اسلامی پذیرفته شده نیست. گفتید: محرومیت از اولاد موجب محرومیت والدین از خصایص نیک است. این سخن دارای ضابطه کلی نیست. افرادی که طبعاً فرزنددار نمی‌شوند یا آنهایی که دیر دارای فرزند شده‌اند، زیادی شان دچار نقص اخلاقی نشده‌اند. شما گفتید: کنترل، نوعی دخالت در کار خداست؛ در حالی که چنین نیست. کار خدایی، خلق و اداره نظام هستی است. بشر هر کاری را انجام می‌دهد، در حقیقت قضا و قدر الهی است. گفتید: کنترل جمعیت خودکشی ملی است؛ در حالی که در کنترل جمعیت خودکشی ملی صدق نمی‌کند؛ چنان که شهید مطهری گفته است: «فقه‌ها

می‌گویند: اگر نطفه در رحم منعقد شد، لغزاندنش اشکال دارد و اما مادامی که هنوز منعقد نشده است، برایش انسان صدق نمی‌کند و هنوز جنین انسانی به وجود نیامده است، اشکال ندارد و... نطفه مرد و زن هر یک به تنهایی بذر انسانی نیست مادامی که بذر نباشد، اختیارش با آنهاست که جلو آبستن را بگیرند و انسان کشی محسوب نمی‌شود. (مرتضی مطهری، خاتمیت، ۶۶ - ۶۷).

شرط دوم نیز موجود نیست؛ چون: ضرر مهم تر موجود است و آن فقر و فاقه اجتماعی است. ضرر زیادی جمعیت بیشتر و مهم تر از ضرر ناشی از کنترل جمعیت است. ضرر ناشی از کنترل بیشتر فردی است که از ناحیه اجرای روش‌های کنترل به وجود می‌آید. ضررهای ناشی از کثرت جمعیت دامنگیر عموم است و یک ملت را ذلیل و حقیر می‌کند. دفع ضرر نوعی اولی از ضرر شخصی است.

۵. استدلال از طریق اشکال در روش‌های کنترل جمعیت

کنترل جمعیت از یک راهی باید صورت گیرد. در فصل دوم ثابت شد که جواز قطعی هیچ یکی از روش‌های کنترل، ثابت نیست. قدیمی‌ترین و ساده‌ترین روش عزل است که مبتلا به اشکالات است:

- محدود بودن مسئله عزل

طبق روایت یعقوب جعفری، جواز عزل منحصر در موارد خاص است: راوی می‌گوید: از ابالحسن شنیدم که می‌فرمود: عزل در شش مورد مانعی ندارد: (۱) زنی که یقین دارد، بچه دار نمی‌شود؛ (۲) پیر زن؛ (۳) زنی بی‌حیا؛ (۴) زن بداخلاق؛ (۵) زنی که فرزندش را شیر نمی‌دهد؛ (۶) کنیز. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ح ۴۵۳۹، ص ۴۴۳ (از مفهوم روایت استفاده می‌شود، عزل در غیر آن موارد از جمله عزل درباره زن آزاد که آن خصوصیات را ندارد، با انگیزه کنترل جمعیت، دارای اشکال است).

- اختلافی بودن مسئله عزل:

دومین اشکال بر استدلال طرفداران جواز کنترل جمعیت از طریق جواز عزل، اختلافی بودن آن است. شیخ در خلاف و مبسوط چهار دلیل (اجماع، روایات، احتیاط و ثبوت دیه نطفه) بر عدم جواز

عزل اقامه کرده است، طبق نقل ابن فهد حلی) ابن فهد، المذهب البازع، ج ۳ ص ۲۰۹؛ محقق کرکی، جامع المقاصد، ج ۱۲، ص ۵۰۴. (این سه فقیه (طوسی، مفید و ابن حمزه) جواز عزل را منافی با حکمت ازدواج می‌دانند؛ همچنین شهید ثانی) شهید ثانی، شرح لمعه، ج ۵، ص ۱۰۲. (و مرحوم سید حکیم گفته است: «آنچه ناقض این اصل کلی [یعنی ترغیب اسلام به فرزندآوری و توالد و تناسل] است، مخالف با شریعت و حرام می‌باشد؛ چنانچه حرمت استمنا و ممنوعیت آن در شریعت اسلام به دلیل تضييع نسل و به جهت حفظ نسل است که نکاح بدان جهت تشریع شده است؛) سید محسن حکیم، المستمسک، ج ۱۴، ص ۷۰ و ۷۱) بنابراین با مسئله اختلافی نمی‌تواند جواز کنترل جمعیت را ثابت کرد.

- روایات و حرمت عزل:

سومین اشکال، وجود روایات معارض جواز عزل است که قبلاً در فصل دوم بیان شد و آن روایات، دلالت بر حرمت عزل دارند؛ از جمله روایت محمد بن مسلم از امام باقر یا امام صادق لف که فرموده است:

عزل از امه و کنیز اشکال ندارد اما عزل از زن آزاد را بدون اشتراط در حین عقد مکروه می‌دانم. (الوسائل الشیعة، ج ۲۰، باب ۷۶، ابواب مقدمات نکاح، ح ۱). (روایتی نیز از پیامبر نقل شده است که حضرت در آن روایت عزل را نوعی زنده به گور کردن مخفیانه معرفی و از آن نهی کرده است؛) میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، باب ۵۶، مقدمات نکاح، ح (۱) علاوه بر این روایات معارض، عزل موجب ضایع کردن نسل است و منافات با حکمت نکاح دارد که تولید نسل باشد؛ چنان که استمنا بدین جهت حرام است؛ همچنین معارض جواز عزل، روایتی است که اهل سنت از امیر المؤمنین علی علیه نقل کرده‌اند که حرمت عزل را به آن حضرت نسبت داده‌اند (شافعی، الأم، ص ۱۸۳؛ سید حسن خمینی، مبانی فقهی تنظیم خانواده، ص ۶۱).

جواب مرحوم سید محسن حکیم از اشکال مذکور بر جواز عزل در مقام جواب فرموده است: «جمله امام باقر یا اما صادق لین در روایت محمد بن مسلم که فرموده است: «إني أكره» ظهور در حرمت ندارد. دو روایتی که از پیامبر (ع) نقل شده‌اند، به اعتبار سند حجیت ندارد. روایت جعفری نیز

حجیت ندارد؛ زیرا از طریق مفهوم حصر خواسته است، حرمت را ثابت کنند. دلیل بر حرمت تضييع نسل به طور کلی نداریم؛ لذا ترک ازدواج، ترک وطی و احتلام جایز است، حرمت استمناء دلیل خاص دارد». (سید محسن حکیم، المستمسک العروة، ج ۱۴، ص ۷۰ و ۷۱)

- روایت منسوب به امیر المؤمنین (ع) درباره حرمت عزل نیز دارای چند اشکال است: اولاً: عامی است؛ ثانیاً: معارض با روایت مستدرک الوسائل است که دلالت بر جواز دارد: «عن علي أنه كان يعزل عن جاریته جمانه او أم جمانه»؛ میزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، ح ۷۷۸، ص ۲۰۳ (منتها ممکن است، گفته شود: در صورت موثق بودن راوی، فساد مذهب موجب ضعف سند نمی شود و روایت معارض در مستدرک از دعائم الاسلام نیز درباره جاریه است که از محل بحث خارج است. - ناقص نقل شدن روایت عبدالرحمن حزاء:

چهارمین اشکال بر استدلال کنندگان به جواز عزل درباره جواز کنترل جمعیت این است که روایت عبدالرحمن که قبلاً در استدلال قائلان به جواز عزل ذکر شد، ناقص نقل شده است. اگر روایت کاملاً نقل شود، مدعای مخالفان جواز کنترل جمعیت ثابت می شود. اصل روایت چنین است: «عن عبد الرحمن الحاء قال كان علي بن الحسين لا يري با لعزل بأس فقراً هذه الآية: وإذا أخذ ربك من بني آدم من ظهورهم ذريتهم وأشهدهم على أنفسهم ألست بربكم قالوا بلى. اعراف، آیه ۱۷۲. (فكل شيء أخذ الله منه الميثاق فهو خارج وان كان على صخرة صماء)؛ کلینی، فروع کافی، ج ۶، ج ۴، ب ۱۴۵، العزل، ص ۵۰۳. (راوی از امام صادق (ع) روایت نقل می کند که حضرت فرمود: امام سجاد (ع) در عزل اشکال نمی دید و این آیه را تلاوت می فرمود: یاد کن هنگامی را که پروردگارت، از فرزندان آدم از پشت و صلب شان نسل آنان را گرفت و آنان را بر خودشان گواه کرد و فرمود: آیا پروردگار شما نیستیم؟ گفتند: آری؛ گواهی می دهیم؛ سپس فرمود: هر چیزی که خداوند از آن میثاق گرفته است، خارج می شود یا خارج خواهد شد، اگرچه روی تخته سنگ باشد».

ظاهر روایت این است که شما هر کاری که می خواهید بکنید؛ ولی آنهایی که در عالم ذر «بلی» را گفته اند، متولد خواهد شد؛ بنابراین امام سجاد با عزل مخالف است؛ زیرا عزل را امری عبث و ناپسند می داند. مؤید این ادعا، نفرین آن حضرت بر دشمنان است که فرموده: «اللهم عقم ارحام نسائهم

ویس اصلاّب رجا لهم و...؛) صحیفه سجادیّه، ص ۲۱۰. (بارالهی زنان شان از بارداری عقم و پشت مردان شان را خشک فرما)!

- انصراف اطلاق روایات

پنجمین اشکال بر استدلال به جواز عزل این است که روایات مطلق درباره جواز عزل، انصراف به عقد موقت دارد. صاحب وسائل این روایات را در ابواب متعه آورده است. معلوم است که عقد موقت و دائم فرق دارد؛ بنابراین از روایات مختلف استفاده می شود که غرض اصلی، در عقد موقت استمتاع و رفع ضرورت های جنسی است. و اغلب فرزند در عقد موقت مزاحم است؛ به همین جهت بسیار بعید است که شارع عزل را در عقد موقت حرام بداند. ناصر مکارم شیرازی، کتاب النکاح، ج ۵، ص ۶۱؛ ابواب متعه، ص ۴۹۰، ح ۵).

در عصر معصومین علی مردم به تکثیر نسل تشویق می شدند. بعضی تصور کردند که عزل در عقد موقت نیز جایز نیست و از امام سؤال می کردند که در عقد موقت عزل جایز است یا خیر؟ امام فرمود: «ذاك إلى الرجل يصرفه حيث شاء». «والماء ماء الرجل يضعه حيث يشاء» (وسائل الشیعة، ج ۱۴، ب ۲۴؛ ابواب متعه، ح ۱؛ تذکرة الفقهاء، ج ۲، ص ۵۷۶) منی در اختیار مرد است. هر جا خواست قرار می دهد؛ پس اطلاق روایات در عقد موقت انصراف دارد).

- ابراز انزجار معصومین علی از عزل

ششمین اشکال بر استدلال درباره جواز کنترل جمعیت از راه جواز عزل، این است که در یکی از روایات آمده: «فاني اكره ذالك». (همان، ج ۲۰، باب ۷۶، مایکوه فیہ العزل ومالا یکره، ح ۱). (ممکن است، این واژه چنان که گفته شد، بیانگر حرمت باشد؛ چون: «اکره» به معنای بغض و ناخوشایند است. وقتی بغض به صورت مطلق ذکر شود، به معنای حرمت عمل است؛ لذا برخی این دلیل را در ضمن ادله حرمت عزل ذکر کرده اند. مؤید این احتمال اول، تأکیدات صریح معصوم در کلام شان است. مؤید دوم این است که جمله «اکره» فعل مضارع است و دلالت بر استمرار و دوام دارد؛ یعنی:

من امام معصوم همیشه این کار را عزل) ناپسند می‌دانم؛ پس مقصود از «فائی اکره ذلک» حرمت است.

نتیجه: با توجه به اشکالات وارده بر جواز عزل که از راه‌های معمولی و قدیمی کنترل جمعیت است، کنترل جمعیت از راه عزل جایز نیست. دیگر از روش‌های کنترل جمعیت، استفاده از وسایل و قرص‌ها و آمپول‌ها است که در فصل نخست در قسمت روش‌های کنترل جمعیت، ضررهای فراوان آنها از دید کارشناسان بیان شد؛ بنابراین استفاده آنها به مقتضایی «قاعدۀ لاضرر» جایز نیست؛ همچنین از روش‌های کنترل جمعیت عقیم‌سازی و سقط جنین است که حرمت آن دو نیز ثابت شد.

جواب

اولاً: اغراض اساسی عزل در موارد چندگانه (ام ولد نشدن کنیز، و ضرر رسیدن به بچه شیر خوار و...) که ذکر شد، خلاصه نمی‌شود. ممکن است، یکی از اغراض عزل، کنترل جمعیت باشد.

ثانیاً: حکمت ازدواج معلوم نیست که فقط تکثیر نسل باشد تا کنترل جمعیت بر خلاف حکمت ازدواج باشد. بفرض که باشد، عمل طبق آن حکمت واجب نیست؛ چون: اصل ازدواج واجب نیست.

ثالثاً: همان‌طوری که جمله «اکره» در کلام امام احتمال حرمت می‌دهد، احتمال کراهت اصطلاحی را نیز می‌دهد؛ چنان که مؤیدات ذیل این احتمال را تأیید می‌کند:

۱. عزل در ضمن عقد جایز است اگر عزل حرام باشد، در ضمن عقد، جایز نخواهد بود؛ زیرا شرط مخالف کتاب و سنت است. اینکه در ضمن عقد، عزل جایز است، دلالت می‌کند که عزل امر جایز است.

۲. روایاتی که ظهور در جواز عزل دارند؛ بلکه بعضی تصریح در جواز عزل دارند. این قرینه قطعی است که مقصود «اکره» کراهتی است که جمعی با جواز فعل ممکن است؛ یعنی: مراد کراهت اصطلاحی است.) محمد مؤمن قمی، کلمات صدیده فی مسائل جدید، ص ۳۲.

۳. احتمال دارد که «اکره» به معنای «فتوا به کراهت» باشد؛ چنان که ظاهر حدیث این است؛ چون: روایات درباره افعال دیگران است؛ لذا حضرت فرمود: «الآن یشرط علیها». با اینکه معنای

«اکره» اعم از حرمت و مکروه است، نمی‌توان گفت: این روایت در مقام فتوای به حرمت است؛ تکثیر نسل را کتاب و سنت تشویق و ترغیب کرده‌اند؛ ولی واجب نیست.

نتیجه:

با احتمال‌های متعدد نمی‌شود، از روایت «إني أكره و...» حرمت عزل را استفاده کرد. قدر متیقن همان کراهت است؛ چنان که صاحب عروه (العروة الوثقی، کتاب النکاح، فصل اول، مسئله ششم، ص ۶۲۸) و دیگران، فتوای به کراهت داده‌اند. درباره ادعای ضررهای روش‌های دیگر، از قبیل داروها و آمپول‌ها و وسایل کاندوم، آی. یو. دی. و... گفته شد، در صورتی در قاعده لاضرر داخل‌اند که شرایط سه گانه ضرر قطعی، نبود ضرر مهم‌تر، چشمگیر بودن ضررها نزد عقلا را داشته باشند؛ در حالی که هیچ یک ثابت نشده است؛ مگر اینکه حرمتش از راه نگاه و لمس حرام ثابت شود؛ زیرا بعضی از این روش‌ها، همراه با نگاه و لمس حرام است. استفاده از روش عقیم‌سازی وقتی حرام است که منجر به عقیمی دائمی شود یا ملازم با نگاه و لمس حرام باشد. سقط جنین نیز قبل از دمیده شدن روح مورد اختلاف است؛ بنابراین نمی‌شود از راه اشکال در - روش‌های کنترل جمعیت، مانع جواز کنترل جمعیت شد.

دیدگاه مخالفان از احناف با کنترل جمعیت

در منابع اولیه احناف عنوان «تحذیر النسل» یا «کنترل جمعیت» و... یافت نمی‌شود. اگر بحثی در این زمینه شده، تحت عنوان «عزل، سقط جنین، عقیم‌سازی و...» مطرح شده است. قبلاً در فصل دوم در قسمت دیدگاه احناف درباره حکم روش‌های کنترل جمعیت گفته شد که قدمای احناف عزل را که از روش‌های کنترل موالید است، بدون اجازه زن جایز نمی‌دانند؛ همانند علمای ذیل:

صاحب بدائع الصنائع گفته است: برای زوج مکروه است که بدون اذن و رضایت زن عزل کند؛ زیرا وظی با انزال منی سبب حصول فرزند است. زن حق دارد که فرزند داشته باشد و اگر عزل کند، این حق ضایع می‌شود. اگر با اذنش عزل کند، اشکال ندارد؛ چون: خود راضی است. (علاء الدین کاشانی، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرایع، فصل المعاشرة بالمعروف، ج ۶، ص ۱۷۵)

۱. صاحب نافع الکبیر از علمای احناف گفته است: عزل از زن آزاد بدون اذنش مباح نیست؛ زیرا زن در فرزند داشتن و قضای شهوت حق دارد؛ پس ناقص کردن حقش بدون رضایتش جایز نیست» (نافع الکبیر، باب تزویج العبد والأمة، ج ۱، ص ۱۸۷).
۳. از صاحب البحر نقل شده است: «جلوگیری زن از بارداری با هر وسیله بدون اذن شوهر حرام است؛ همان طور که عزل زوج [شوهر از زن آزاد بدون اذنش حرام است]» ابن عابدین، حاشیه رد المختار، ج ۳، ص ۱۹۳).
۴. حلبی در مجمع الانهر گفته است: «عزل در زن آزاد بدون اذنش مباح نیست، به دلیل اجماع» (حلبی، مجمع الانهر فی شرح ملتقى الأبحر، باب الاذن في العزل عن الأمة، ج ۳، ص ۱۶۷). صاحب هدایه گفته است: «مرد بدون اذن همسرش عزل نمی تواند، به دست آوردن فرزند حق زن است» (مرغینانی، الهدایة، نقل از مجله مجمع الفقه الاسلامی، ج ۵، ص ۴۰۶).
۶. دکتر وهبة الزحیلی، اندیشمند حنفی مسلک درباره تحدید و کنترل جمعیت گفته است: تحدید و کنترل به معنای متوقف کردن زاد و ولد با وسایل مختلف از قبیل استتصال رحم و عقیم سازی و ... شرعا جایز نیست؛ چون: با مقاصد شرع در تضاد است. ایشان نظریه اقتصاددانان از جمله مالتوس انگلیسی را که گفته اند: جمعیت زیاد منافات با اقتصاد جامعه دارد و باعث قحطی و گرسنگی می شود، مردود می داند و می گوید: این یک اندیشه استعماری و صهیونیستی و مخالف اعتقاد ایمانی و دینی ماست. خدای تعالی که خلائق را خلق کرده است متکفل رزق و روزیشان نیز است. مشکلات فعلی اقتصاد جامعه در گرو بی عدالتی و سوء مدیریت است، نه در کمی مواد اقتصادی. وهبة الزحیلی، الأسرة المسلمة في العالم المعاصر، ص ۲۲۴ و ۲۲۵).
- علمایی که عزل را بدون اجازه جایز نمی دانند، اگر در زمان و عصر دکتر وهبة الزحیلی بودند نیز تحمیل برنامه کنترل جمعیت را بدون رضایت خانواده ها جایز نمی دانستند.
- نتیجه: این دسته از احناف اجرای برنامه تحدید نسل و کنترل را مشروط به اجازه خانواده ها می دانند و بدون آن جایز نمی دانند.
- مؤید نظر این دسته از مخالفان در میان احناف، قطعنامه ها و اظهارنظرهایی است که عده ای از علمای عامه درباره کنترل جمعیت صادر و اظهار کرده اند:

۱. در قطعنامه مجمع فقهی اسلامی در سال ۱۴۰۰ ق. آمده است: «با توجه به اینکه در دین اسلام افزایش نسل مسلمانان سفارش شده است و نظر به اینکه هدف پیشگیری از افزایش جمعیت مسلمین، کاهش نیروی انسانی و ازدیاد سلطه استعمارگران بر کشورهای اسلامی جهت بهره برداری بیشتر از ثروت‌های آنان است و از آنجا که جلوگیری از ازدیاد نسل، نوع عمل جاهلی و بدگمانی نسبت به قدرت خداوند متعال است، مجمع فقهی اسلامی به اتفاق آرا مقرر داشت که تحدید نسل مطلقاً جایز نیست و جلوگیری از حاملگی در صورتی که انگیزه آن ترس از فقر باشد، حرام است؛ زیرا خداوند متعال «هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِّينَ» است و روزی رسانی همه جنبندگان روی زمین را خود بر عهده گرفته است: «ما من دابة الا على الله رزقها» اما در مواردی همچون احتمال خطر یا زیان، پیشگیری از بارداری بلا مانع است». بیداری اسلامی، ص ۹۲، متخذ از مجموعه مقالات علمی و پژوهشی مذاهب اسلامی، نمایندگی رهبری در امور اهل سنت سیستان و بلوچستان، بهمن ۸۵ ص ۷۰۹)

۲. مجمع مؤسسين رابط العالم الاسلامی، قطعنامه‌ای صادر و ضمن آن با صراحت هر چه تمام تر توسل به شیوه‌های جلوگیری از بارداری را منافی با اوامر قرآن تلقی کرد. از نظر این مجمع ثابت شده است که مصرف داروهای ضد بارداری، زیان‌های جبران ناپذیری را متوجه مادر و نوزادانی که با مصرف این دارو نیز ممکن است، تولد یابند، می‌کند. دلایل واهی گوناگون چون زیادی جمعیت، دشواری آذوقه کافی و سطح پایین سواد در جانب داری از سیاست کنترل بیان شده است؛ اما به هیچ یک از اینها وقعی نباید نهاد؛ چرا که قرآن مجید می‌فرماید: اولادتان را از بیم فقر نکشید. ما ایشان را روزی می‌رسانیم و همچنین هر کس که تقوی پیشه کند، خداوند برای او راهی قرار خواهد داد و از طریقی که انتظار ندارد، روزی اش را تأمین خواهد کرد. احمد کتابی، درآمد بر اندیشه‌های جمعیت‌شناسی، ص ۵۲).

۳. بعضی از علمای عامه در تأیید نظریه عدم جواز کنترل گفته است: نظر اسلام نسبت به واژه‌های تنظیم نسل، تنظیم خانواده، تحدید نسل و لفظ‌های دیگر که در این مورد به کار می‌برند، منفی است؛ یعنی تنظیم خانواده و کنترل جمعیت از نظر اسلام جایز نیست؛ مگر در صورت ضرورت و ناچارى که اگر از زایمان یا زایمان‌های زیاد جلوگیری نشود، خوف و خطر بر جان مادر و جنین باشد».

۴. بعضی همه روش‌های کنترل جمعیت را ممنوع اعلام کرده و گفته‌اند: «برای کنترل جمعیت و تنظیم خانواده با هر وسیله که باشد، ضررهای زیادی از جمله ضرر دینی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، روحی و جنسی دارند؛ بنابراین کنترل جمعیت مطلقاً حرام است و تنظیم خانواده هم حرام می‌باشد؛ مگر در حالت ضروری که موارد آن کم و دایره آن محدود است. از باب مثال از موارد محدود، آن حالتی است که در آن حالت زن باردار محتاج به زایمان غیر عادی بشود؛ با این حال برای بیرون آوردن فرزند به عمل جراحی مضطر شود و همچنین در صورت تعارض بین دو مصلحت که مصلحت یکی [نداشتن فرزند بیشتر از مصلحت دیگری داشتن فرزند باشد یا در مورد تزاحم دو ضرر، ضرر داشتن فرزند و ضرر نداشتن فرزند و ... در این موارد است که اقوی المصلحتین و اخف الضررین انتخاب می‌شود.» (مجله البحوث الإسلامية، ج ۵، ص ۱۲۵)

۵. بعضی کنترل جمعیت و تحدید نسل را مخالف دستورها و اعتقادات اسلامی و رازقیت خدای تعالی و توطئه علیه جامعه اسلامی می‌دانند و ممنوع اعلام کرده‌اند؛ چنان که در کتاب فتوا لاسلامیه که مربوط به پاسخ به سؤالات است، گفته است: «نظر به اینکه شریعت اسلامی ترغیب و تشویق به تولید نسل و زیادی اولاد می‌کند و نسل را نعمت بزرگ و منت عظیم از طرف خدای تعالی می‌داند و نظر به این که تحدید نسل و کنترل جمعیت یا منع از حمل و بارداری با فطرت انسانی ناسازگار است، دعوت به کنترل نسل و منع حمل و بارداری، یک نوع فتنه و توطئه‌ای علیه مسلمین است تا از این طریق قدرت تسلط و استعمار بلاد اسلامی را به دست آورند، با اینکه در پیش گرفتن کنترل جمعیت و منع از بارداری یک عمل و روش دوران جاهلیت و بدگمانی نسبت به خدا و تضعیف اسلام است، با توجه به این عوامل، مجلس اسلامی مقرر می‌دارد که تحدید و کنترل نسل مطلقاً [چه به طور موقت یا به نحو دائم، جهت ترس از گرسنگی یا به انگیزه‌های دیگر باشد جایز نیست؛ زیرا جلوگیری از بارداری از روی ترس از گرسنگی مخالف آیات ذیل است:

الف) «هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ»؛ اوست بسیار رزق دهنده و صاحب متانت.

ب) «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا»؛ جنبنده در زمین نیست؛ مگر اینکه رزقش بر عهده خداست و آیات دیگر؛ اما منع و جلوگیری از بارداری از روی ضرورت مثل اینکه هنگام تولد فرزندش به صورت عادی متولد نمی‌شود؛ بلکه نیاز به عمل جراحی دارد یا جهت ایجاد فاصله بین

فرزندان باشد، در این موارد منع و جلوگیری از بارداری جایز است. دلیل، احادیث صحیحه می‌باشد.» (الفتاوی الاسلامیه، باب حکم تحدید النسل وتنظیمه، ج ۳، ص ۲۵۸)

۶. فتوی الاسلامیه در پاسخ این سؤال که درآمد من محدود و فرزندانم زیاد است. آیا تحدید و کنترل نسل برایم جایز است؟ گفته است: «تحدید و کنترل نسل جایز نیست؛ زیرا مخالف اعتقاد به رازقیت خدای تعالی است؛ ولی تنظیم نسل از راه‌های مشروع [مثل شیردهی، تأخیر در مقاربت و نزدیکی نکردن تا دو هفته بعد از طهر و پاکی از حیض و عزل، سقط جنین قبل از چهل روزگی توسط استعمال دارو با غرض و انگیزه صحیح] جایز است.» س: دخلی محدود، ولدی اولاد کثیرون، فهل یجوز أن أحدد النسل؟

ج: فتوی الاسلامیه، باب تحدید النسل من أجل الفقر، ج ۳، ص (

۷. عبدالعزیز بن باز در رد مفتی اردن که قائل به تحدید نسل و جواز دخالت حکومت در این باره است، گفته است: «تحدید نسل مخالف آیات و روایات است و برنامه و مقررات دولت درباره کنترل و تحدید نسل، سبب نمی‌شود که عمل به برنامه دولت درباره کنترل و تحدید نسل واجب باشد؛ زیرا حکومت در امور معروف و غیر مضر به امور امت اطاعت می‌شود. تحدید نسل مخالف شرع و مخالف مصلحت امت اسلامی است. چگونه اطاعت از حکومت در این مورد لازم است؟!» (محمد بن عبدالعزیز، المسند، فتوی الاسلامیه، ج ۳، باب حول تحدید النسل، ص ۲۶۳).

- بررسی ادله مخالفان کنترل جمعیت:

در قرآن آیه‌ای که دلالت بر جواز یا منع کنترل جمعیت کند، وجود ندارد؛ چنان که در کتب فقهی احناف، موردی به دست نیاوردیم که استدلال به آیه در این مورد شده باشد. در قسمت بیان نظر مخالفان از احناف درباره روش‌های کنترل جمعیت از جمله عدم جواز عزل، دانستیم که عمده دلیل که به آن استدلال شده است، روایات، ادعای اجماع و تضييع حق و... است. بنابر مبنایی که حکم روش‌های تحدید نسل درباره برنامه کنترل جمعیت جاری است، ادله احناف درباره عدم جواز اجرای برنامه کنترل جمعیت بدون رضایت عبارت‌اند از:

الف) روایات:

چنان که در فصل دوم در قسمت مخالفان عزل به نحو مطلق، ابن عابدین در این باره استدلال به روایات کرد؛ از جمله روایت ذیل:

احمد و ابن ماجه از پیامبر اکرم نقل کرده‌اند: «نهى رسول الله عن العزل الحرة إلا بإذنها؛» امام احمد ابن حنبل، مسند، ج ۱، ص ۳۱؛ زیلعی، نصب الرایه، ج ۶، ص ۱۴۵. (پیامبر(ع) از عزل درباره زن آزاد بدون اذنش نهی کرده است. از طریق عمر بن خطاب نیز از پیامبر(ع) نقل شده است.) شوکانی، نیل الاوطار، باب ماجاء في العزل، ج ۱۰، ص ۱۶۶. (۱. ۲. ۳. روایتی دیگری از پیامبر اکرم نقل شده که از «عزل» تعبیر به «وَأَدْ الْخَفِي» یعنی قتل کرده است.) سنن بیهقی، ج ۷، ص ۲۳۱؛ جواهر، ج ۲۹، ص ۱۱۱).

(ب) اجماع:

این دلیل را شوکانی در نیل الاوطار به نقل از صاحب کتاب الفتح نقل کرده است: «لا خلاف بین علمائنا أنه لا يعزل عن الزوجة الحرة إلا بإذنها؛» سنن بیهقی، ج ۷، ص ۲۳۱؛ جواهر، ج ۲۹، ص ۱۱۱. (بین علما اختلافی نیست، در اینکه عزل بدون اذن زن جایز نیست.)

حلی در مجمع الانهر نیز ادعای اجماع بر عدم جواز کرده است: عزل در زن آزاد بدون اذنش مباح نیست، به دلیل اجماع. (حلی، مجمع الانهر، باب الاذن في العزل عن الامة، ج ۳، ص ۱۶۷)

(ج) تضييع حق

سومین دلیل قائلان به اشتراط اذن و رضایت، تضييع حق است. همان طور که عزل سبب تضييع حق زن است، تضييع ملت نیز است. ملت و جامعه نیز نسبت نسل حق دارند. بدون اجازه ضایع کردن حق کسی جایز نیست؛ چنان که در کلمات قائلان به اشتراط اذن به صراحت بیان شد؛ از جمله صاحب هدایه گفته است: «وفي العزل تنقيص حقها فيشترط رضاها كما في الحرة» (مرغینانی، الهدایة؛ بدر العینی، البنایة في شرح الهدایة، باب نکاح رقیق، ج ۵، ص ۷۴). (در عزل یک نوع ناقص کردن حق است؛ بنابراین رضایت امه مزوجه شرط است؛ همان طور که عزل از زن آزاد مشروط به اجازه اوست.)

صاحب بدائع الصنایع گفته است: «... زیرا و طی با انزال منی سبب حصول فرزند است. زن حق دارد که فرزند داشته باشد. اگر عزل کند، این حق ضایع می‌شود.» (علاء الدین کاشانی، بدائع الصنایع، فی ترتیب الشرایع، فصل المعاشرة بالمعروف، ج ۶، ص ۱۷۵)

۳. مؤیدات ادله نظریه احناف:

مؤید ادله نظریه فوق، آیات، روایات و قواعدی است که دیگر طرفداران منع کنترل جمعیت درباره ادعای شان استدلال کرده‌اند:

الف) آیات و منع کنترل جمعیت:

عده‌ای با اتکا بر عدم جواز کنترل جمعیت، استدلال کرده‌اند؛ از جمله:

۱. عبدالله بن عبدالرحمن البسام، قاضی محکمه تمیز کشور عربستان با آیات استدلال بر عدم جواز کنترل و تحدید نسل کرده است گفته است:

اولاً: ازدواج روش طبیعی و شرعی برای تکثیر نسل و بقای نوع بشری است؛ از این جهت اسلام تحریک و ترغیب به ازدواج حتی در حالت فقر کرده است خدای تعالی فرموده است: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»؛ نور، آیه ۳۲ (مردان و زنان بی همسر را، همسر دهید و همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را اگر فقیر و تنگ دست باشند، خداوند آنان را از فضل خود بی نیاز می‌کند. خداوند واسع و آگاه است.) ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۵۶).

ثانیاً: ازدواج و طلب اولاد روش پیامبران است؛ چنان که خدای تعالی فرموده است: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ أَزْوَاجًا وَذُرِّيَّةً»، (ما قبل از تو رسولانی فرستادیم و برای آنها همسران و فرزندان قرار دادیم.) ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۲۳۶).

ثالثاً: اسلام از رهبانیت و قطع رابطه با زنان و فرزندان نهی کرده است و فرموده است: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (اعراف، آیه ۳۲). بگو: «چه کسی زینت‌های الهی را که برای بندگان خود آفریده و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است؟! بگو: اینها در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده‌اند [اگرچه

دیگران نیز با آنها مشارکت دارند، ولی در قیامت خالص [برای مؤمنان خواهد بود.] ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۱۴۷).

رابعاً: خدای تعالی ذریه را منت بر خلق و از نعمت‌های خود به حساب آورده و فرموده است: «وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُم مِّنْ اَزْوَاجِكُمْ بَنِيْنَ وَحَفَدَةً»؛ (نحل، آیه ۷۲). خداوند برای شما از جنس خودتان همسرانی قرار داد و برای شما از همسران تان فرزندان و نوه‌ها و از . طبیات به شما روزی داد. آیا به باطل ایمان می‌آورند و نعمت خدا را انکار می‌کنند؟» ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۳۰۹ - ۳۱۰. (در آخر نتیجه می‌گیرد و می‌گوید: زندگی خانوادگی و طلب اولاد از اموری است که اسلام دوست دارد و بر آن تحریک و ترغیب نموده است: «نساؤکم حرث لکم فأتوا حرم أتی مه»؛) بقره، آیه ۲۲۳. (زنان شما محل بذرافشانی شما هستند؛ پس هر زمان که بخواهید می‌توانید با آنها آمیزش کنید. از نظر ایشان آیه شریفه ناظر بر این مطلب است که حیات زوجیت، مستلزم طلب اولاد است) البسام، «تنظیم النسل وتحدیده»، مجمع الفقه الاسلامی، ش ۵، جزء ۱، سال ۱۹۴۰۹م، ص ۲۲۷. کنترل جمعیت بر خلاف مقصد تشریع ازدواج است. (لبسام، «تنظیم النسل وتحدیده»، مجمع الفقه الاسلامی، ش ۵، جزء ۱، سال ۱۹۴۰۹م، ص ۲۲۷).

بعد گفته است: بنای اجتماع، افراد آن ا. وقتی زاد و ولد کم شد، بنای ساختمان جامعه نیز کوچک می‌شود و جامعه کوچک نیز به مقصد و هدف نمی‌رسند. در آخر نتیجه می‌گیرد که تحریک به کنترل جمعیت بین مسلمین کید و تدبیر و دسیسه دشمنان اسلام، برای تضعیف جامعه اسلامی است. لبسام، «تنظیم النسل وتحدیده»، مجمع الفقه الاسلامی، ش ۵، جزء ۱، سال ۱۹۴۰۹م، ص ۲۲۷).

۲. مرحوم آیت الله سید صادق روحانی می‌گوید: مخالفین کنترل جمعیت به آیاتی که دلالت بر وجوب حفظ نفس می‌کنند، استدلال کرده‌اند (سید صادق، روحانی، المسائل المستحثة، ص ۱۵۵ - ۱۵۶).

ب) روایات و کنترل جمعیت:

کسانی که مؤید دیدگاه احناف هستند، به روایات نیز استدلال کرده‌اند؛ از جمله:

الف) عبدالله بن عبدالرحمن، البسام به تعدادی از روایات درباره عدم جواز کنترل جمعیت استدلال کرده است. برای مثال این روایت از عمر ۱... ۳. همان. ۴.. ۵. نقل شده است: «نهی رسول الله (ع) أن يعزل عن الحرة الأبائنها». (محمد بن یزید قزوینی، سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۶۲۰، ح ۱۹۲۸). طبق این روایت رسول خدا بدون اذن زن آزاد از عزل، نهی کرده است. (البسام، «تنظیم النسل وتحذیر»، مجمع الفقه الاسلامی، ش ۵ جزء ۱، سال ۱۹۴۰۹، ص ۲۲۷).

ب) شیخ محمد بن عبدالرحمن از قائلان به تحریم منع تولید است که به احادیثی در این زمینه استدلال کرده است. برای مثال این حدیث را از پیامبر اکرم نقل کرده است که آن حضرت فرمود: «من ترك النكاح مخافة العيال فليس منا؛ (نقل از مجله مجمع الفقه الاسلامی، ج ۵، ص ۴۰۷). کسی که از ترس تأمین خرج و مخارج عیال ترک ازدواج کند مسلمان نیست؛» همچنین عایشه از جذامه بنت وهب نقل کرده و گفته است: پیامبر اکرم در جمع مردمی حاضر شد. از حضرت درباره عزل سؤال کردند. پیامبر اکرم فرمود: «ذلك الوأد الخفي؛» (نقل از مجله مجمع الفقه الاسلامی، ج ۵، ص ۴۰۷). این یک نوع زنده به گور کردن است.

ج) قواعد و کنترل جمعیت:

قاعده «لا ضرر»: از جمله قواعدی است که درباره منع کنترل جمعیت استدلال شده است. بعضی بر اساس همین قاعده همه روش‌های کنترل جمعیت را ممنوع اعلام کرده و گفته است: «برای کنترل جمعیت و تنظیم خانواده با هر وسیله که باشد، ضررهای زیادی از جمله ضرر دینی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، روحی و جنسی دارند؛ بنابراین کنترل جمعیت مطلقاً حرام است؛ (مجله البحوث الإسلامية، ج ۵، ص ۱۲۵). همچنین قاعده «نفي سبيل»: اینکه کنترل جمعیت تنافی با اعتقاد به رازقیت خدای تعالی دارد که در بیان وهبة الزحیلی و قطعنامه علمای مجمع فقهی و دیگر قائلان به امتناع کنترل جمعیت و حرمت روش‌های کنترل جمعیت بیان شد.

نتیجه: به دلیل ادعای اجماع و نهی رسول خدا از عزل و اینکه این عمل بدون اجازه سبب تضييع حق است، از دید مشهور قدمای احناف اذن شرط است بدون اجازه، عزل و اجرای برنامه کنترل

جمعیت جایز نیست؛ چنان که دیگر طرفداران این نظریه استدلال به آیات، روایات و قواعد نیز کرده‌اند.

جمع بندی:

در میان امامیه کسانی همچون شیخ طوسی، شیخ مفید و ابن حمزه که عزل و روش‌های متناسب آن را بدون اذن و اشتراط در حین عقد جایز نمی‌دانند، کنترل جمعیت را نیز جایز نمی‌دانند. مهم‌ترین دلیل شان انواع مختلف روایات است. از جمله روایاتی که از عزل منع کرده‌اند، تشویق و ترغیب به ازدواج و زیادی نسل کرده‌اند. روایات منع عزل در مقابل روایات جواز عزل نمی‌توانند مقاومت کنند؛ اما اشکال به روایاتی که ترغیب و تشویق به ازدواج و زیادی نسل کرده‌اند، نمی‌شود وارد کرد؛ مگر اینکه بگوییم: روایات مورد استدلال مربوط به قضایای خارجیه است و قضایای حقیقیه نیستند تا دلالت کنند که همیشه زیادی نسل مطلوب است. استدلال درباره عدم جواز کنترل جمعیت از طریق منافات داشتند. کنترل جمعیت با اعتقاد به رازقیت خدا در صورتی تمام است که هدف از کنترل، ترس از فقر باشد نیز استدلال با قاعده لاضرر و نفی سبیل کفار بر مسلمین در صورتی تمام است که ثابت شود که ضرر کنترل اولاد بیش از ضرر زیادی جمعیت است و کنترل جمعیت سبب تسلط کفار بر مسلمین می‌شود.

از فقهای احناف نیز آنهایی که عزل و روش‌های متناسب با آن را بدون اذن جایز نمی‌دانند، کنترل جمعیت را جایز نمی‌دانند، عمده ادله شان روایاتی است که از عزل نهی کرده‌اند. گفته شد، این روایات در مقابل روایاتی که عزل و روش‌های متناسب را جایز می‌دانند، نمی‌توانند مقاومت کنند. استدلال به اجماع و تضييع حق نیز کرده‌اند. سرنوشت اجماع با این همه مخالفت معلوم است. تضييع حق هم در صورت عدم اذن است.

کسانی که مؤیدانند، به آیاتی استدلال کرده‌اند که تشویق و ترغیب به ازدواج و زیادی نسل و نهی از رهبانیت کرده‌اند، همچنین استدلال به قواعد از جمله قاعده لاضرر، نفی سبیل نیز کرده‌اند.

به طور کلی اکثر فقهای امامیه و احناف مخالف کنترل جمعیت اند، عمده دلیل شان مطلوبیت نسل انسانی و بقای آن نزد شارع است و تنافی کنترل جمعیت نیز با اعتقاد به رازقیت خدای تعالی و تنافی آن با قاعده «لا ضرر» و قاعده «نفی سبیل» است.

در جواب گفته شد که اگر هدف از کنترل جمعیت، تربیت جمعیت سالم و مقتدر و با روش های حلال باشد، کنترل جمعیت بلا اشکال است.

کتابنامه

- ابن عابدین، محمد امین، **رد المختار علی الدر المختار**، الطبعة الاولى، دمشق، دارالثقافة والتراث.
- ابن قدامه، عبدالرحمن حنبلی (۱۴۱۹ق)، **الشرح الكبير علی متن المقنع**، قم، ناشر: دارالاولی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، **لسان العرب**، بیروت، دارالفکر.
- بی نام (۱۴۱۴). **الموسوعة الفقهیه الكويتیه**، الكويت، نشر وزارة الاوقاف والشئون الاسلامیه.
- الجزیری، غیاث الدین (۱۴۱۹ق)، **الفقه علی المذاهب الاربعه**، بیروت، ناشر: دارالثقلین.
- جوهری، اسماعیل بن عماد، **الصحاح، تاج اللغة و صحاح العربیه**، ج ۵، بیروت، دارالعلم للملایین.
- حرعاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه**، چاپ هشتم، سال ۱۳۸۷، ناشر: اسلامیه.
- خرازی، سید محسن (۱۳۷۹). **کنترل جمعیت و عقیم سازی**. نشریه فقه اهل بیت، ۲۱، ۴۱-۶۹.
- خرازی، سید محسن، (بیتا)، **تحدید النسل و التعقیم**، مجله فقه اهل البيت علیه السلام، دورهاول، ش ۱۵.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷ق)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷)، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
- طلعتی، محمد هادی، **رشد جمعیت، تنظیم خانواده و سقط جنین**، قم، نشر بوستان کتاب، سال ۱۳۸۷.
- عاملی، محمد بن مکی (۱۴۱۰هـ.ق). **اللمعه الدمشقیه فی فقه الإمامیه**. بیروت: دارالتراث.
- العاملی، الشیخ حربن محمد بن حسن (۱۴۰۹هـ.ق). **وسایل الشیعه**. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- عراقی، ضیاء الدین علی، **قاعده لا ضرر**، قم، ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، سال ۱۴۱۸ق.
- علینی، محمدولی (۱۳۸۴). **تأثیر آموزه‌ها و فتاوی شیعی در رشد و کنترل جمعیت**. نشریه شیعه‌شناسی، ۱۲، ۱۴۳-۱۷۴.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۸۹۹)، **العین**، قم، چاپ دوم، ناشر: مؤسسه دارالهجره.

- الکاسانی، علاء الدین (۱۴۱۷)، *البدائع الصنائع الکاسانی*، بیروت، دارالفکر الاولی.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *اصول کافی*، بیروت، دارالتعارف، چاپ سوم (۱۹۸۱).
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ هـ.ق). *الکافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ هـ.ق). *بحارالانوار*. بیروت: مؤسسه الوفا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۸). *مجموعه آثار*. تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۲)، *بحوث فقهیه هام*، چاپ اول: قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۸۳ ش). *تحریر الوسیله*، ترجمه محمد علی گرگانی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره.
- مؤمن قمی، محمد (۱۳۷۶). *سخنی در تنظیم خانواده*. نشریه فقه اهل بیت (ع)، ۸، ۱۱۲-۱۳۵.
- میرتھامی، الهام (۱۳۸۲). *تأثیر پیری جمعیت بر اقتصاد، یک چشم انداز اروپایی*. نشریه تازه های جهان بیمه، ۶۸، ۷۷۰-۷۹۷.
- میرهاشمی، زهرا سادات.، و جلیلی کلهری، طاهره (۱۳۹۶). *تبیین و بررسی دیدگاه های مستنبط از آیات و روایات درباره سیاست راهبردی تکثیر موالید و افزایش جمعیت در اسلام*. نشریه پژوهشکده زنان دانشگاه الزهرا (س)، ۵ (۲)، ۱۵۳-۱۹۲.
- نوری همدانی، حسین (۱۳۸۲). *کنترل جمعیت*. نشریه فقه اهل بیت (ع)، ۳۳، ۲۴-۵۲.